



A Jurisprudential and Economic Analysis of the Foundations, Principles and General Monetary System of Islamic Economics

Hosein Eyvazloo*

Received: 20/01/2021

Mohsen Rezaei Sadrabadi**

Accepted: 15/09/2021

Javad Nouri***

Abstract

Throughout the history of economics there have theoretically been three fundamental and interrelated questions in the field of money: 1) What is money 2) What is the source of money or how does it enter society? 3) How does money gain or lose value? In conventional economics, the two branches of monetary school, namely metallism and chartalism have tried to answer these questions using their theoretical foundations. In this article, we have tried to answer the questions from the perspective of the principles and general framework of the Islamic monetary system. For this purpose, first, with the help of valid jurisprudential methods including transactional jurisprudence and systemic jurisprudence based on the framework of Islamic economics, the principles and general framework of the Islamic monetary system are explained and then the above questions are answered.


The research results show that in the Islamic monetary system, firstly, anything that can fulfill the functions of money and wins people's acceptance can play the role of money, but in case of deviations of the instances of money from Sharia, the Islamic government is bound to revoke its approval. Secondly, concerning the value of money, it should be said that money must either have intrinsic value or some valuable extrinsic equivalent in order to comply with the principles and foundations of the monetary system and be used in transaction.

Keywords

Islamic Economics; Islamic Economic System; Islamic Monetary System; Value of Money; Source of Money.

JEL Classification: G21, J31, K24.

* Associate Professor, Department of Political Economy, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ayvazlou@isu.ac.ir

** Ph.D. student of Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). sadrabady@isu.ac.ir  0000-0002-9157-8902

*** Ph.D. student of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. lawyer.j.nouri@gmail.com



10.30497/IFR.2021.240337.1595

20.1001.1.22518290.1400.10.2.1.8

دو فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صص. ۴۴۵-۴۹۴

تحلیل فقهی - اقتصادی مبانی، اصول و چارچوب کلان نظام پولی اقتصاد اسلامی

حسین عیوضلو*

محسن رضایی صدرآبادی**

جواد نوری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۷۰ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

در طول تاریخ، علم اقتصاد از لحاظ نظری سه سؤال مبنایی و مرتبط با یکدیگر در حوزه پول وجود داشته است که هر نظریه پولی سعی کرده پاسخ‌های مناسب برای آنها ارائه کند. این سه سؤال عبارت‌اند از: ۱- پول چیست؟ ۲- منشأ پول چیست یا چگونه وارد جامعه می‌شود؟ ۳- پول چگونه ارزش به دست می‌آورد یا آن را از دست می‌دهد؟ در اقتصاد متعارف دو نحله و مکتب پولی «متالیست‌ها (فلزگرایان)» و «چارتالیست‌ها»، سعی کرده‌اند با مبانی و اصول نظری خویش به این سؤالات پاسخ دهند. در این مقاله سعی شده است با استفاده از مبانی، اصول و چارچوب کلان نظام پولی اسلامی از منظر اقتصاد اسلامی به این سؤالات پاسخ داده شود. بدین منظور ابتدا با استفاده از روش‌های معتبر فقهی اعم از فقه معاملات و فقه نظام مبتنی بر چارچوب اقتصاد اسلامی، مبانی، اصول و چارچوب کلان نظام پولی اسلام تبیین شده و سپس با توجه به آنها به سؤالات مذکور پاسخ داده شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در نظام پولی اسلامی، اولاً هرآنچه که بتواند وظایف پول را ایفا کند و از نظر مردم (عرف) مورد قبول واقع شود، می‌تواند نقش پول را در نظام اقتصادی ایفا نماید ولی حکومت اسلامی حسب وظیفه و جایگاهی که دارد، در صورت انحراف مصادیق پول از شروط و موازین شرعی، تأیید و اعتبار خویش را از پول الغا می‌نماید؛ ثانیاً در خصوص ارزش پول، باید گفت که پول یا باید ارزش ذاتی داشته یا مابه‌ازاء ارزشمندی در عالم واقع داشته باشد تا با اصول و مبانی نظام پولی تطابق داشته و بتواند در مقام مبادلات و معاملات مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

اقتصاد اسلامی؛ نظام اقتصادی اسلام؛ نظام پولی اسلامی؛ ارزش پول؛ منشأ پول.
طبقه‌بندی JEL: G21, K24, J31

* دانشیار گروه اقتصاد سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

ayvazlou@isu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sadrabady@isu.ac.ir

0000-0002-9157-8902

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

lawyer.j.nouri@gmail.com



مقدمه

در بررسی منطقی موضوع پول با توجه به تاریخچه در تعریف، مصداقیابی، شروط بنیادی و نگاه مکاتب متعدد در اقتصاد متعارف، می‌توان گفت سه سؤال مبنایی در خصوص پول وجود دارد که سؤال از چیستی، چرایی و چگونگی پول دارد. به عبارت دیگر سؤال از این است که پول چیست، چرا و از کجا وارد جامعه و زندگی انسانی شده است و چگونه ارزش به دست می‌آورد و یا ارزش خود را از دست می‌دهد (Ingham, 2004, p. 15). در اقتصاد متعارف فارغ از تعریف پول، با مرور نظرات مکاتب پولی در خصوص سؤالاتی که پیرامون ارزش پول و منشأ ایجاد آن و این دست از پرسش‌ها مطرح است، ملاحظه می‌شود که می‌توان پاسخ‌های بیان‌شده در این باره را در دو جریان طبقه‌بندی نمود: جریان نخست، جریان اصلی^۳ است که اکثریت را در برمی‌گیرد و مباحث آن در اکثر دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و در مقابل آن جریان هترودکس^۴ است که دربرگیرنده منتقدین جریان اصلی می‌باشد. البته نام‌های متفاوتی بر این دو جریان در حوزه پول نهاده شده است. گودهارت^۵ (۱۹۸۴) در مقاله «دو مفهوم از پول»، جریان غالب را فلزگرا^۶ و جریان مقابل را چارتالیست^۷ می‌نامد. همچنین به گروه اول «کالایون» می‌گویند که داعیه‌داران این نظریه، اقتصاددانان مکتب اتریش هستند و جریان دوم را هم «نظریه اعتباری پول» می‌نامند که در بین غیراقتصاددانان (برخی جامعه‌شناسان و مورخان پولی) و دسته‌ای از اقتصاددانان دگراندیش (با پیشگامی زمانی مکتب تاریخی و اخیراً جریانات موسوم به پساکینزی) مقبولیت بیشتری دارد (درویدیان، ۱۳۹۴، ص. ۴۸).^۸ لازم به ذکر است که این دو نحله با توجه به مبانی و اصول خویش در یک نظام منسجم و درهم‌تنیده به این^۳ سؤال پاسخ داده‌اند که تحلیل و بررسی آنها در این تحقیق هدف ما نبوده، بلکه مسأله اصلی این است که فارغ از نگاه مکاتب پولی غربی، با نگاه اسلامی و با استفاده از مبانی نظام پولی اسلامی و اقتصاد اسلامی، پاسخ مناسب به این سه سؤال چیست؟

لازم به ذکر است که در بین اندیشمندان اقتصاد اسلامی و متفکران مسلمان تحقیقات مختلفی در زمینه پول به نگارش درآمده است، ولی در تحقیقات مذکور یا نگاه به مقوله پول از جنس پاسخ به این سؤالات نبوده و مسائل دیگری مدنظر قرار گرفته است یا به

این سؤالات به صورت مجزا پاسخ داده شده و پاسخ به هر سه سؤال در یک نظام منسجم با توجه به مبانی و اصول نظام پولی اسلام صورت نگرفته است. لذا در این تحقیق سعی شده است با توجه به نگاه اسلامی به پول و مکتب اقتصادی و نظام پولی اسلامی^۹، پاسخ به سه سؤال مذکور تبیین گردد. لازم به ذکر است که در راستای پاسخ مناسب به سؤالات می‌بایست در یک نگاه جامع و کامل به مبانی و اصول نظام پولی اسلامی، نظر اسلام در خصوص پول و سؤالات آن را تشریح نمود. همچنین در نیل به هدف تحقیق در ابتدا سعی شده با توجه به آیات و روایات و بنای عقلا، مبانی و اصول نظام پولی اسلامی تبیین گردد و سپس به سؤالات پاسخ مناسب داده شود.

۱. پیشینه تحقیق

در خصوص پاسخ به سه سؤال مذکور و تحلیل مبانی و اصول نظام پولی اسلامی، مطالعات اندکی در بین اندیشمندان مسلمان انجام شده و اکثر مطالعات سعی کرده‌اند که به یکی از جنبه‌ها و سؤالات فوق بپردازند. در ذیل به مهم‌ترین این مطالعات اشاره شد: عبوضلو و کریمی‌ریزی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام»، با نگاه سیستمی در چارچوب اقتصاد اسلامی به تحلیل نظام بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. چارچوب مدنظرشان براساس سه واژه و معیار قرآنی: «حق» و «عدل» و «قوام» توضیح داده شده است؛ همچنین به منظور تحلیل بانکداری اسلامی با نگرشی جدید، این چارچوب و اصول و مشخصه‌های آن را تبیین و تشریح کرده‌اند. بر این اساس به نظرشان، مشخصه‌هایی همچون ثبات پولی، رابطه بخش پولی با بخش واقعی، تعادل‌های اقتصادی، قیمت‌گذاری و نظارت تخصصی موضوعات اساسی است که براساس نگرش جدید باید مورد توجه قرار گیرد.

موسویان و قراملکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی فقهی بازارهای پول و سرمایه و کاربردهای آن»، با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به قرآن و سنت، روش برخورد فقه اسلامی با قراردادهای جدید مالی را تبیین کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اگرچه اصل عملی و اولیه باب معاملات در فقه اسلامی، فساد هر عقد و روش جدید معامله است، اما مقتضای اصل لفظی و اجتهادی و مقتضای اطلاقات و عمومات قرآن و

سنت، صحت و لزوم تمام قراردادهای، شیوه‌ها و ابزارهای مالی عرفی و عقلایی است، مشروط بر اینکه مخالف ضوابط عمومی قرارداد همچون ممنوعیت اکل مال به باطل، ممنوعیت ضرر و ضرار، ممنوعیت غرر، ممنوعیت قمار و ممنوعیت ربا نباشد.

عیوضلو (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، براساس رویکرد سیستمی و استفاده از اصول موضوعه سلسله مراتبی و مرتبط به هم، اصول نظام پولی اسلامی را در چارچوب اقتصاد اسلامی استنتاج کرده است. ایشان با روش خویش سه معیار «کارایی (قوام)»، «عدالت» و «ترازی» را به عنوان معیارهای تطبیقی اسلامی برشمرده و نیز چهار مبنای اساسی نظام پولی اسلامی را در چارچوب عقدهای مشروع اسلامی و شرایط بازار عادلانه به شرح ذیل معرفی کرده است: ۱- ارزش پول به صورت سنجه‌ای از عدالت اجتماعی؛ ۲- تبعیت قیمت پول از بازار حقیقی عادلانه کالاها و خدمات؛ ۳- امکان تعیین قیمت سایه‌ای برای پول و سرمایه نقدی؛ ۴- ترازوی حقیقی در رفتار اقتصادی و مالی.

به‌غیر از سه تحقیق فوق که به برخی از اصول و مبانی نظام پولی پرداخته‌اند و برخی سؤالات را تلویحاً پاسخ داده‌اند، سایر تحقیقات فقط به یکی از وجوه و سؤالات مرتبط پرداخته که در زیر به صورت اجمالی به آنها اشاره می‌شود:

سبحانی و درودیان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی انتقادی رویکردهای موجود در هستی‌شناسی پول؛ ارائه تفسیری بدیل»، به هستی‌شناسی و ماهیت پول پرداخته و در تحقیق دیگر (۱۳۹۵) به سؤال سوم (یعنی چگونگی خلق پول و توجیه‌پذیری آن در نظام بانکداری اسلامی) پرداخته‌اند. ایشان در ارائه فهمی از پول با تأکید بر وجه اعتباری آن با این ادعا که نظریه کالایی فاقد توان کافی در تبیین پول بوده و تعریف‌های مورد اشاره در کلام نظریه‌پردازان اعتباری هم دچار دوگانگی است، بر تفکیک دو سطح تلقی از پول تأکید کرده‌اند. بدین منظور پول را در معنای جوهری همان «معیاری انتزاعی از ارزش» یا «مفهومی برای اندازه‌گیری ارزش‌ها» دانسته و تعریف پول در فهم صحیح عرفی را «نشانگری از طلبی معتبر به سبب مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر» معرفی کرده‌اند و از نظر ایشان این تفکیک بین دو سطح تلقی از پول، مهم‌ترین نقص موجود در تعریف‌های ارائه‌شده از پول در نظریه اعتباری را رفع می‌کند.

دولت‌آبادی (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با عنوان «ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی»، موضوع خلق پول را براساس آموزه‌های اسلامی موردبررسی قرار داده و مبتنی بر آثار کلان خلق پول، ترتیبات جایگزینی برای خلق پول پیشنهاد داده است. ایشان معتقد است که اجرایی کردن ترتیبات پولی باعث می‌شود که اقتصاد باثبات‌تر شود و اختلالاتی که به واسطه خلق پول بانک‌ها در توزیع درآمد ایجاد می‌شود، از بین رود.

توسلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ماهیت پول» و همچنین در دیگر تحقیقاتش (۱۳۹۳) و (۱۳۹۶) به تحلیل ماهیت پول در اسلام و تطبیق آن با نظریات اقتصاد متعارف و مکاتب پولی اقتصاد پرداخته است. ایشان ماهیت پول را در این تحقیقات به عنوان «مال اعتباری» در نظر گرفته و معتقد است که این نظر برخلاف نظریه مالیت اعتباری است که در ماهیت پول فقط مالیت را مدنظر قرار می‌گیرد.

یوسفی (۱۳۷۷) در کتابی با عنوان «ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن»، به ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن پرداخته است. ایشان در این تحقیق بعد از نگاهی محققانه به پیشینه تاریخی پول و شناسایی انواع پول‌های عصر حاضر، با بهره گرفتن از نظر اقتصاددانان، فقیهان و حقوق‌دانان به کنکاش در شناخت ماهیت پول پرداخته است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، هیچ‌یک از مطالعات فوق‌الذکر در مقام ترسیم یک چارچوب کلان با در نظر گرفتن مبانی و اصول نظام پولی اسلامی که از بطن آیات و روایات و سیره ائمه اطهار باشد، نبوده‌اند و البته پاسخ به این سؤالات با ترسیم یک چارچوب کلان از نظام پولی اسلامی می‌تواند قدمی روبه‌جلو در جهت گسترش اقتصاد اسلامی باشد. لذا در ادامه سعی شده است با توجه به تعریف نظام، ابتدا اصول و مبانی نظام پولی اسلام تبیین گردد و سپس با توجه چارچوب ترسیم‌شده، به سؤالات پاسخ داده شود.

۲. چارچوب نظام پولی در نظام اقتصاد اسلامی

قبل از ورود به بحث لازم است که مقدمه‌ای کوتاه در خصوص معنای لغوی و اصطلاحی «نظام» داشته باشیم. در لغت واژه «نظام» (از ریشه نظم) به معنی نظم دادن، آراستن، به رشته کشیدن مروارید، رویه، عادت و روش، آمده است (عمید، ۱۳۸۶، ج ۲، ذیل واژه). ابن منظور (۱۱۰۸ق) در بیان معنی این واژه گفته است: «نظام به معنی تألیف، تجميع و قرین کردن چیزی به چیز دیگر و نخی که با آن لؤلؤ یا هر چیز دیگری (مثل مهره) به نظم کشیده می‌شود»، است (لسان‌العرب، ۱۱۰۸ق، ج ۱۲، ص. ۵۷۹).

عالم (۱۳۸۳) در بیان مفهوم اصطلاحی نظام ابتدا چند تعریف گوناگون از نظریه‌پردازان در این زمینه ارائه کرده و آنگاه عناصر نهفته در مفهوم نظام را احصاء کرده است. او می‌نویسد: «نظام یعنی «مجموع عناصر دارای کنش و واکنش»، «مجموعه هدف‌ها با روابط میان هدف‌ها و میان خواص آنها» و «هر مجموعه از عناصر که بتواند به نحوی به‌طور متداخل با یکدیگر عمل کند، می‌تواند به‌صورت یک سیستم نگریسته شود. کهکشان‌ها، تیم‌های فوتبال، قوه‌های مقننه و احزاب سیاسی هرکدام یک سیستم (نظام) هستند» (عالم، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۹).

لازم به ذکر است که با توجه به موارد کاربرد اصطلاح «نظام» در متون گوناگون، می‌توان گزاره‌های زیر را به‌عنوان اقسام و مراتب مفهوم اصطلاحی نظام برشمرد. هریک از این مفاهیم براساس مورد کاربرد آن معنی پیدا کرده و تشخیص می‌یابد، هرچند در اکثر مواقع پس از واژه نظام، مضاف‌الیهی قرار می‌گیرد که مفهوم خاص و موردنظر را بیان می‌کند؛ مثل وقتی که گفته می‌شود «نظام الخلق» یعنی نظام به مفهوم سامان داشتن زندگی و معیشت مردم است (ملک افضلی اردکانی و حائری، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۸-۱۲۹).

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) در مورد لزوم فرمان‌برداری از ولی امر که به نصب الهی به این سمت، منصوب شده است، او را نظام الاسلام معرفی کرده است^{۱۰} (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص. ۲۹۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۴۳، ص. ۱۴). آنچه که پیامبر اسلام برای بشر آورده است شامل عقاید، اخلاق و احکام عملیه است (منتظری، ۱۴۰۸ق، ص. ۲۵). همچنین به عقیده یکی دیگر از محققان: «منظور از نظام الاسلام، سازمان دین، موجودیت

و استقرار حاکمیت آن است و در تعبیر دیگری شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان - های عهده دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص. ۳۵).

نتیجه ای که از این جامع نگری حاصل می شود این است که در جامعه اسلامی، هدف غائی از حفظ نظام به هریک از معانی فوق، «حفظ نظام اسلام» یا عینیت بخشیدن به دین اسلام در جامعه، برای نیل به اهداف متعالی آن یعنی سعادت دنیوی و اخروی انسانها است (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۴).

با ذکر این مقدمه نظام اقتصادی و نظام پولی زمانی اسلامی و زیرمجموعه نظام اسلام تلقی می شوند که بر شریعت حقه اسلام مبتنی باشند و نکته مهم در اینجا کشف، درک و تبیین ساختار و سازوکار فعالیت در این نظام است، زیرا که چنین ساختاری و سازوکاری به روشنی در متن آیات و روایات اسلامی ذکر نشده است و اساساً پیامبر (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام به دنبال تبیین چنین ساختاری - آن چنان که امروزه مرسوم است - نبوده اند. اما آنچه ذکر کرده اند و فقیهان عظام بر آنها استناد جسته اند مشتمل تر بیان برخی اصول اعتقادی، حقوقی و یا نحوه رفتار مطلوب و نتیجه های آن است که می تواند مورد استفاده اقتصاددانان اسلامی باشد تا براساس آن بتوانند به بیان چنین ساختاری و سازوکاری، مطابق آنچه متداول است، بپردازند. اهمیت اینکار زمانی مشخص می شود که بخواهیم درباره ساختار و سازوکار فعالیت اقتصادی در نظام های اقتصادی معاصر و میزان انطباق رفتار فعلی مسلمانان با شریعت اسلام دآوری و قضاوت کنیم. به همین منظور پیش از همه لازم است ساختار و سازوکار مطلوب رفتار اقتصادی در نظام مطلوب اسلامی را درک کرده و آن را معرفی کنیم. از آنجاکه هر نوع تبیین در این زمینه به شریعت حقه اسلام منتسب می شود و احتمال خطا در درک این مهم وجود دارد، بنابراین، این تبیین جنبه نظری دارد (عبوضلو، ۱۳۸۷، ص. ۳۷).

همچنین لازم به ذکر است که در اقتصاد متعارف واژه نظام به مفهوم اصطلاحی آن سابقه بسیار زیادی ندارد. این واژه در سال های ۱۹۵۲-۱۹۵۰ میلادی با مطرح شدن نظریه عمومی نظام ها به وسیله برتالانفی، زیست شناس آلمانی، مفهوم خود را یافت و بعدها با

کاربرد این نظریه در رشته‌های مختلف علوم، اصطلاحاتی نظیر: نظام اقتصادی، نظام ارتباطات و... متداول شد (مدنی، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

به نظر دوسوسور^{۱۱} نظام، کل سازمان‌یافته‌ای مرکب از عناصری متعدد است که آنها تنها در رابطه با یکدیگر و برحسب مکانی که در این کل دارند تعریف می‌شوند (دوران، ۱۳۷۰، صص. ۱۴-۲۰). به گفته وست‌چرچمن در کتاب «نظریه سیستم‌ها»، «نظام در تئوری عمومی سیستم‌ها (نظام‌ها) به مجموعه‌ای از اجزای وابسته به هم گفته می‌شود که در راه نیل به هدف‌های معین باهم هماهنگی دارند» (چرچمن، ۱۳۶۹، ص. ۲۶).

همچنین در تعاریف جدید به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رفتار یا نتایج و محصولات اقتصادی تأثیر دارند اشاره می‌شود. در این راستا گوری و استوارت^{۱۲} با توجه به چندبعدی بودن نظام اقتصادی آن را رابطه‌ای از ویژگی‌های زیر می‌دانند:

رابطه (۱): $Economic\ System = f(A1, A2, \dots, An)$

یعنی نظام اقتصادی^{۱۳} با ویژگی‌ها و خصوصیات و عوامل مؤثر (Ai) مشخص می‌شود.

وی با فرض $n = 4$ مشخصه‌های زیر را برای نظام اقتصادی ذکر می‌کند:

- ۱- سازماندهی تصمیم‌گیری اقتصادی؛
- ۲- سازوکار تهیه اطلاعات و هماهنگی: بازار و برنامه‌ریزی؛
- ۳- حقوق مالکیت: کنترل و درآمد؛
- ۴- سازوکارهای تعیین اهداف و تحریک افراد به فعالیت: انگیزه‌ها.

همان‌طور که مشاهده می‌شود بین تعاریف قدیم از نظام و تعریف جدید که از گوری‌گوری و استوارت است، ارتباط ملموسی وجود دارد؛ زیرا طبق تعاریف اولیه، نظام مجموعه‌ای از عناصر مرتبط به هم است و بین اجزای آن ارتباط وجود دارد و در تحقق نتیجه یا ثمره یا خصلت مشترکی باهم هماهنگی و سازگاری دارند. به عبارت دیگر در نظام‌های اجتماعی از ثمره یا خصلت مشترک می‌توان به‌عنوان «هدف» نام برد. بنابراین هر نظام ترکیبی از اجزاء (نهادها و عناصر)، روابط و اهداف است و این در حالی بوده که در تعریف جدید هم چهار خصوصیت و ویژگی برای نظام اقتصادی در نظر گرفته

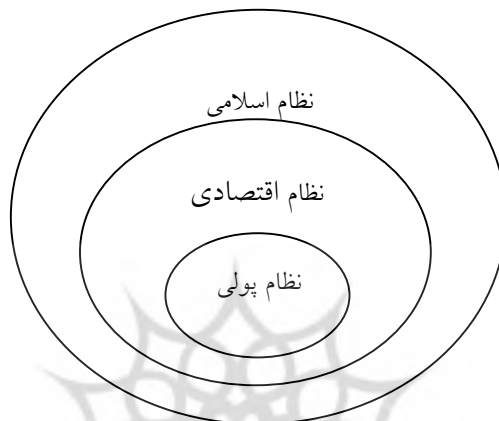
می‌شود که دو ویژگی مربوط به «سازوکارها» است که قرابت نزدیکی به مفهوم «روابط» بین عناصر در نظام دارد. «حقوق مالکیت و «سازوکار تعیین اهداف» نیز از دیگر ویژگی‌های مهم نظام اقتصادی است که در دستیابی به نظام اقتصادی کارآمد دارای اهمیت بالایی هستند. ویژگی آخر هم بحث ساماندهی است که به نهادها و عناصر نظام بازگشت دارد. بنابراین با ترکیب این دو تعریف و اتصال آن به مفهوم روایی و قرآنی نظام می‌توان گفت که نظام پولی اسلامی که به‌عنوان یک زیرنظام در نظام اقتصادی اسلامی محسوب می‌شود، نظامی مرکب از مبانی و اصول، نهادها (عناصر)، سازوکارها (ارتباطات) است که اهداف مشخصی را دنبال می‌کند. هر یک از سه رکن این نظام، همگی از متن مستندهای اسلامی استخراج می‌شوند. همچنین اهداف نظام پولی مبتنی بر مبانی و اصول و منطبق بر ایدئولوژی نظام اسلامی است و با اهداف کلان و کلان ایده‌های نظام اسلامی منطبق است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت ارکان نظام مخصوصاً عناصر و نهادها یک نظام خاص مانند نظام پولی، دارای محیط هم هستند. محیط به معنای چارچوب و اجزایی است که درون آن نظام خاص نیستند، ولی بر آن اثر می‌گذارند^{۱۴}. مانند اصول و روابط سیاسی که از ارکان نظام اقتصادی نیستند ولی بر آن اثر می‌گذارند (سبحانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲).

بنابراین با توجه به مباحث مذکور می‌توان جمع‌بندی کرد که منظور از چارچوب نظام پولی معرفی نظام جامعی مرکب از مبانی و اصول، نهادها و سازوکارها است که:

- ✓ اولاً، همه ارکان آن اسلامی باشد؛
- ✓ ثانیاً، اهداف نظام پولی منطبق بر مبانی و اهداف کلان (کلان ایده‌های) نظام اقتصادی اسلام باشند و اجزاء با یکدیگر سازگار باشند و همدیگر را نفی نکنند، یعنی با تحقق اجزا و روابط مورد بحث هدف تعیین شده قابل دستیابی باشد؛
- ✓ ثالثاً، امکان تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و رفتار متعارف اقتصادی و داوری درباره واقعیت‌ها و عینیت‌های اقتصادی را فراهم سازند (عیوضلو، ۱۳۹۷، ص. ۷).

در این راستا ابتدا باید مبانی و اصول (کلان ایده‌ها یا تصویر کلان^{۱۵}) نظام اسلامی و نظام اقتصادی اسلام منقح گردد و سپس در مرحله بعد باید نهادها و عناصر نظام پولی

تشریح گردد و در نهایت می‌بایست سازوکارهای بین نهادها و عناصر مشخص شود و شروط و ضوابط اختصاصی در روابط بین نهادها تبیین گردد. برای فهم روش می‌توان مدل مفهومی شکل (۱) را ترسیم نمود:



شکل (۱): رابطه بین نظام اسلامی و نظام اقتصادی و پولی

منبع: یافته‌های تحقیق

در این ساختار نظام اقتصادی اسلامی یکی از زیرمجموعه‌های نظام اسلامی است و نظام پولی هم یک زیرنظام از نظام اقتصادی است. حال مشخص است که هرکدام از نظام‌های مذکور دارای مبانی و اصول مختص به خود هستند و این مبانی در تمام نظام‌ها باید رعایت شود و می‌بایست به‌گونه‌ای طراحی شوند که ناسازگاری و تناقض بین آنها وجود نداشته باشد. لذا ترسیم نظام پولی‌ای قابل قبول است که ارکان آن از مبانی و اصول نظام اسلامی تبعیت داشته باشد. بنابراین در ادامه ابتدا مبانی و اصول کلان نظام اقتصادی اسلامی تبیین می‌شود و سپس ضوابط و الزامات اختصاصی مبتنی بر مبانی و اصول کلی برای نظام پولی تشریح می‌گردد و در مرحله سوم نهادها و عناصر نظام پولی و نقش و جایگاه آنها در نظام پولی تبیین می‌گردد و در نهایت شرایط و ویژگی‌های حاکم بر سازوکارهای بین نهادها ذکر می‌شود.^{۱۶}

۲-۱. مبانی و اصول (کلان ایده‌های) نظام اقتصادی اسلامی

همان‌طور که واضح است مبانی و اصول نظام اسلامی مفصل است، ولی با مراجعه به متون دینی و مطالعات محققان اقتصاد اسلامی می‌توان مبانی و اصول کلان نظام اقتصادی اسلامی را که مرتبط با نظام پولی و مسائل مالی باشند را به شرح ذیل بیان نمود.

۲-۱-۱. دو اصل «حق و عدل»

براساس پژوهش‌های مختلف دو اصل «حق» و «عدل» به‌عنوان دو مبنای اصلی نظام‌سازی و تنظیم روابط در نظام اقتصادی اسلام شناخته می‌شوند. «حق» در مقابل «باطل» به معنی انتساب به امر حقیقی و وجودی است. حق مال به معنای استفاده صحیح از مال است که منجر به رشد و نمو ثروت در جامعه می‌شود. همچنین «حق» بیانگر برنامه و کتاب آفرینش است که تجلی آن در اصول تکوینی بیان می‌شود و «عدل» بیانگر جوهره نظام تشریحی اسلام است که در تبیین اصول تشریحی به آن پرداخته می‌شود (عیوضلو و کریمی‌ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸).

از سوی دیگر «حق» ریشه در مبانی دارد و «عدل» نهادهای اقتصادی جامعه را در یک وضعیت بایسته از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌دهد و روابط بین نهادها را تعیین می‌کند. همچنین از آنجاکه نظام تکوین بر مبنای حق و عدل قرار دارد، هرگونه تصرف انسان‌ها بر اموال باید مبتنی بر حق و عدل باشد؛ از این‌رو نظام پولی اسلامی مبتنی بر نظام اقتصادی اسلامی نیز موصوف به این وصف است و از همین جوهره تبعیت می‌کند (عیوضلو و کریمی‌ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۱۹).

۲-۱-۲. اصل «قوام»

اقتصاد اسلامی و نهادهای مرتبط با آن به یک‌جهت مشخص توجه دارند، همه فعالیت‌های عوامل و کارگزاران اقتصادی در این مسیر در طول مأموریت تکوینی برای عمران و آبادانی در زمین و ایفای رسالت توحید افعالی معنی و جلوه می‌یابند. براساس دلالت آیه ۵ سوره نساء: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» یکی از ویژگی‌های بایسته و حق مال در جامعه آن است که اموال سبب استواری و «قوام» جامعه شوند، لذا اقتصاد اسلامی یک اقتصاد قوام‌یافته است. در این اقتصاد ثروت رشد و نمو دارد و ارزش‌افزوده

حقیقی ایجاد می‌شود و عمران در جامعه افزایش می‌یابد (ر.ک: عیوضلو و حسینی، ۱۳۸۵)؛ (عیوضلو و کریمی‌ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰).

بنابراین براساس نگرش اسلامی در نظام اقتصادی اموال چه حقیقی و چه اعتباری از آن خداوند است و خداوند این اموال را به‌طور امانی در اختیار بندگانش قرار داده است تا از آنها به‌صورتی استفاده کنند که باعث قوام اقتصادی فرد و جامعه شود.

به‌عنوان نتیجه نظری از مباحث فوق سه اصل «حق» و «عدل» و «قوم» مبنای نظام‌سازی و تنظیم روابط در نظام پولی اسلامی معرفی می‌شوند. «حق»، مشروعیت برخوردارها و تعلق مالکیت را نشان می‌دهد و «عدل»، مشروعیت روابط مالی را در مرحله انتقال اموال تحقق می‌بخشد. نهاد عدالت خود یک نهاد و سیستمی است که در آن هر جزئی و از جمله آحاد افراد باید در جایگاه صحیح خود قرار گیرند تا با انجام کار صحیح به روش صحیح، عمل صالح را در جامعه محقق سازند.

لازم به ذکر است، با توجه به نکات مذکور در فوق، ارکان نظام مخصوصاً عناصر و نهادهای یک نظام خاص مانند نظام پولی، دارای محیط هم هستند. محیط به معنای چارچوب و اجزائی است که درون آن نظام خاص نیستند، ولی بر آن اثر می‌گذارند. لذا با توجه به نظام اسلامی و نظام اقتصادی اسلامی می‌توان گفت که یک چارچوب ثابت شریعت وجود دارد که محیط بر ارکان نظام پولی و نهادها و عناصر آن است و تمامی روابط باید منطبق بر آن چارچوب باشد. در ادامه به برخی از شرایط عمومی این چارچوب اشاره می‌کنیم.

۲-۱-۳. چارچوب ثابت شریعت (محیط بر نظام پولی اسلامی)

با بررسی آیات و روایات می‌توان گفت که یک‌سری بایدها و نبایدها در اسلام وجود دارد که به‌عنوان عموماًت نظام اسلامی بر کلیه زیرنظام‌های اسلامی همچون نظام اقتصادی و نظام پولی اثر دارند و می‌بایست از آنان پیروی کرد. این چارچوب که از نظر نگارندگان همان مکتب اقتصاد اسلامی است در بحث نظام‌سازی و ترسیم نظام پولی مدخلیت دارد و کلیه ارکان نظام باید با آن همخوانی داشته باشد. به تعبیر آیت‌الله تسخیری برخی از قواعد و قوانین اسلامی جزو ثابتات اسلامی هستند و قابل تخلف و تغییر نیستند و جزو

حوزه عزیمت هستند. حوزه عزیمت مجموعه اصولی است که مکتب اسلام آنها را به عنوان خطوط قرمز مطرح کرده و از دیگر مکاتب جدا ساخته است. اما در مرحله تطبیق و نظام‌سازی رخصت داده شده است و می‌توان از حوزه رخصت مدد جست. نظام‌ها می‌توانند جایگزین‌ها و بدیل‌های گوناگون داشته باشند. نظام پرتوی از مکتب است، پرتو وقتی به صورت سایه به دیوار می‌افتد جنس دیوار نیز در میزان انعکاس نور و شکل سایه تأثیر دارد. در مرحله تطبیق مکتب و نظام‌سازی زمان و مکان در میزان انعکاس پرتو مؤثر هستند (عبوضلو، ۱۳۹۰، ص. ۱۵).

به‌عنوان مثال باید‌هایی همچون «الناس عند شروطهم» و «الفقه ثم المتجر» و یا حتی نباید‌هایی مانند «عدم اسراف» همچنین اصولی مانند «اصل حفظ نظام»، «اصل لاضرر و لا ضرار» و ... مسائلی هستند که بر عناصر و اجزاء نظام پولی به‌عنوان یک زیر نظام اقتصادی محیط هستند و اثر دارند. بنابراین در ترسیم نظام پولی و تعریف جایگاه‌های عناصر نظام پولی باید به این چارچوب توجه کرد.

۲-۲. ضوابط و الزامات اختصاصی نظام پولی اسلامی

همان‌طور که بیان شد براساس مبانی و اصول نظام اقتصادی اسلامی، می‌توان ضوابط و الزامات تحقق مبانی که مستقیم به‌نظام پولی ارتباط دارند را استخراج نمود. به‌عبارت‌دیگر براساس معیار و اصول مذکور (حق، عدل و قوام) می‌توان در رابطه با پول و مناسبات پولی ضوابط و الزاماتی را ذکر کرد، زیرا که هرگونه تصرف انسان‌ها در اموال باید بر حق و عدل مبتنی باشد وگرنه ظالمانه خواهد بود. در ادامه این ضوابط و الزامات در جهت تحقق مبانی و اصول نظام اقتصادی اسلامی ذکر می‌گردد.

۲-۲-۱. ضوابط و الزامات مرتبط با «حق و عدل»

۲-۲-۱-۱. تناظر بین بخش حقیقی (واقعی) و اسمی

ماهیت نظام پولی هرچه باشد نمی‌تواند فلسفه و علت وجودی پول را تغییر دهد. فلسفه پیدایش پول بر این مبنا واقع شده است که پول به‌عنوان واسطه مبادله و وسیله سنجش ارزش باشد و قدرت خرید هر فرد را نشان دهد و در نظامی به‌کار گرفته شود که عزم

ملی در جهت حفظ ارزش آن باشد. این مهم حداقل در حد وظیفه و جایگاه پول نزد ائمه معصومین (ع) و علمای اسلام مهم تلقی شده است.^{۱۷}

۲-۱-۲-۲. «تبعیت نماء از اصل»

براساس دیدگاه اسلامی مالکیت هرگونه نماء یا رشد حاصل در مال در طول فعالیت اقتصادی از آن کسی است مال متعلق به اوست. بر این مبنا مالکیت ارزش افزوده حاصل در مال به صورت افزایش طبیعی قیمت مال، نما یا ضرر حاصل در سرمایه مشارکتی از آن دارنده سهم است. به همین ترتیب مالکیت هرگونه نما حاصل در مال قرضی از آن قرض گیرنده است نه قرض دهنده (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص. ۳۹).

براساس این ضابطه نظام پولی (و مالی) اسلامی، نظامی است که در آن فرآیند نمو پول و انواع دارایی مالی در آن با شفافیت کامل قابل رصد باشد. این مهم زمانی عملیاتی می گردد که انواع روش های سپرده گذاری و تسهیلات دهی بانکی براساس ریسک پذیری و عملکرد تسهیلات اعطایی از همدیگر قابل تفکیک باشند و لذا نمی توان از روش یک کاسه کردن سپرده ها و تعیین حکم کلی بر انواع سپرده ها - به عنوان روش اسلامی - دفاع کرد. با این فرض، روش های فعلی تعیین نرخ سود سپرده یا نرخ سود تسهیلات از توجیه لازم اسلامی برخوردار نخواهند بود.

۲-۲-۲-۲. ضوابط و الزامات مرتبط با اصل «قوام»

از جمله ضوابط و الزامات مرتبط با اصل «قوام» ذیل نظام پولی می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۲-۲-۲-۱. ضرورت توجه به معیار مشروعیت جهت

نظام پولی (و مالی) اسلامی نظامی شفاف و مبتنی بر نظام اطلاعات کامل است. بر این مبنا، نظام پولی و مالی اسلامی نظامی است که هر نوع فعالیت و تراکنشی در این نظام با اصول و موازین اسلامی تطبیق دارد. از جمله مهم ترین ملاکات در این عرصه، ضرورت توجه به «هدف» در هر یک از تصمیم گیری های هر یک از نهادها و کارگزاران مالی در

عرصه تخصیص منابع پولی و بانکی به فعالیت‌های اقتصادی است و این ملاک ملاکی الزام‌آور است.

در این خصوص می‌توان به بیان محکم مرحوم ملا احمد بن محمد مهدی بن ابوذر نراقی کاشانی (ره) معروف به فاضل نراقی (۱۲۴۵ق) در کتاب «عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام»، استدلال کرد که می‌فرماید: «ملکیت از احکام وضعیه است و جز با دلیل معتبر ثابت نمی‌شود. بنابراین روشن است که اصل در اشیاء عدم ملکیت آنها است، و ملکیت چیزی برای کسی برخلاف اصل و محتاج به دلیل است» (حسینی و قاضی‌زاده، ۱۳۷۰، ص. ۱۱۸).

چنانچه این نوع تجهیز و تخصیص در نظام پولی (و مالی) اسلامی پیاده‌سازی شود، می‌توان ادعا نمود که با تحقق حق و عدل در جامعه اسلامی و با لحاظ کردن «جهت^۱ تخصیص» منابع و امکانات در کلیه تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی، «قوم اقتصادی» در حوزه تولید و مصرف و نظام تصمیم‌گیری و تعاملات فردی و جمعی در روابط افراد و گروه‌های جامعه با یکدیگر و با طبیعت و اموال و دارایی‌ها شکل می‌گیرد که جایگاه شایسته اموال را در سیستم اسلامی و نهادهای آن نشان می‌دهد (حسینی و قاضی‌زاده، ۱۳۷۰، ص. ۲۰).

۲-۲-۲-۲. «پایداری و ثبات»

دومین ضابطه و الزامی که متناسب با اصل «قوم» مطرح است، مسأله پایداری و ثبات است. یکی از مسائلی که ضرورت دارد در یک اقتصاد اسلامی و نظام پولی اسلامی به آن توجه شود، مباحث مربوط به «پایداری» است. اهتمام به مسأله پایداری افق‌های جدیدی پیش‌روی حوزه‌های رشد، اقتصاد توسعه و اقتصاد محیط‌زیست گشوده است و مباحث بالنسبه مغفول مانده‌ای از قبیل انصاف و عدالت بین نسلی، سیاست‌گذاری بلندمدت، محدودیت منابع و... را مورد توجه جدی قرار داده است. پایداری از جمله مفاهیمی است که تعاریف بسیار متعددی از آن ارائه شده است. اغلب تعاریف پایداری ناظر به ضرورت حفظ «کیفیت زندگی» در بلندمدت است و قابل انقسام به مفاهیم کلی از قبیل «تضمین مطلوبیت غیرکاهنده» و «صیانت از موجودی سرمایه (اعم از سرمایه

طبیعی و فیزیکی و انسانی) هستند. کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ میلادی ایده‌ای را طرح نمود که می‌توان ریشه آن را در مقابل نطفه‌زای فرانک رمزی در زمینه نظریه محض پس‌انداز ردیابی نمود. توسعه پایدار از دیدگاه این کمیسیون به «برآوردن نیازهای نسل فعلی بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان» نظر دارد.

همچنین از نگاه اسلامی به تعبیر حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی هر نهاد (و نظام) اسلامی در چارچوب توسعه کوثری عمل می‌کند و نه توسعه تکاثری. «توسعه کوثری آن است که «پایدار» باشد و «همه‌جانبه». معنای پایدار آن است که نسل آینده را در هم‌نظر داشته باشد. شاخصه دوم آن است که توسعه باید همه‌جانبه باشد. نه فقط پایدار در طول، بلکه پایدار در عرض؛ و برای همه مردم در طول نسل‌ها، به برای یک نسل». قرآن کریم همه‌جانبه بودن را در سوره مبارکه حشر بیان کرده است: آنچه که ما به شما عطا کردیم، این سرمایه می‌شود. آنجا که می‌گوییم سهم فقرا را بدهید و در سهم آن‌ها دخالت نکنید، برای این است که مبادا این سرمایه و ثروت بین یک عده خاص دست‌به‌دست شود. کی لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم. «دوله» یعنی تداول و دست‌به‌دست شدن. ثروت مثل خون مملکت است. اگر خون فقط در یک بخش از اعضای بدن جریان داشته باشد، بقیه اندام‌ها فلج می‌شوند. در توسعه پایدار همه‌جانبه، اگر تسهیلات بانکی است، باید برای همه باشد. اگر وام است، برای همه باشد. اگر کارشناسی و کاردانی است، باید برای همه باشد. لذا ما نباید بگذاریم که مال و ثروت یکجا انباشه شود. بیان نورانی حضرت علی(ع) این است که به‌طور عادی مال یکجا جمع نمی‌شود. هر جا ثروتی انباشه شد، یک عده فقرا هم آنجا هستند...»^{۱۹}.

از سوی دیگر در دیدگاه اسلامی مقوله عدالت چنان اصل مبنایی و ارزشمند است که لازمه پایداری و ثبات به وجود عدل و عدالت در جامعه است. در روایات در مورد پایداری و ثبات دولت‌ها و حکومت‌ها آمده است که «تَبَاتُ الدَّوْلِ بِالْعَدْلِ» یعنی ثبات و پایداری دولت‌ها، به برپایی قسط و عدل است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۴۱). همچنین از نگاه امام علی(ع) بیان شده است «العدل قوام البریة و الظلم بوار الرعیة» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۳۹)؛ یعنی عدالت، مایه قوام مردم است و ستم و ظلم، موجب هلاک ملت است. لذا از جمع این دو روایت می‌توان فهم کرد که پایداری و ثبات به‌نوعی

همان قوام است و یا به عبارتی دیگر یکی از ضوابط و الزامات قوام، پایداری و ثبات است.

در این میان از جمله محوری‌ترین مصادیق و نهادهای عدالت اجتماعی در جامعه «پول» است که قوام آن نشانگر قوام اجتماعی جامعه و کاهش ارزش آن نشانه‌ای از گسیختگی قرارداد اجتماعی است. مهم‌ترین قرارداد اجتماعی در یک جامعه مدنی حفظ ارزش پول جامعه است که در اثر آن کلیه میزان‌ها و مبادلات بر مبنای معیار قابل اعتماد و مورد وثوقی تعریف می‌شود و گرنه چنانچه این معیار دچار کاهش ارزش و تباهی شود کلیه معاملات و قراردادها در سطح جامعه تحت تأثیر واقع شده و دارای شبهه می‌شوند. به همین جهت است که امام سجاد(ع) از ما خواسته است که «مال» را از موضع اصلی و تعریف شده‌اش خارج نکنیم: «لا تحرفه عن موضعه و لا تصرفه عن حقائقه» (حرانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۱): آن (مال) را از موضع و جایگاه «بایسته‌اش» منحرف نکن و از حقیقت آن خارج مساز. (ر.ک عیوضلو و کریمی ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۲۱).

۳-۲. نهادها و عناصر اصلی نظام پولی اسلام

با توجه به آیات و روایات می‌توان گفت که از نگاه اسلام مردم، حاکمیت اسلامی و بازار، سه نهاد و عنصر اصلی نظام پولی را شکل می‌دهند که این سه با حکومت‌ها، دولت‌ها، مردم و بازار پولی کشورهای خارجی دیگر در ارتباط هستند. در نظام پولی اسلام به نظر می‌رسد که شرع مقدس برای این سه نهاد حدود و اختیارات و وظایفی قرار داده است که درک و استخراج این حدود و وظایف از بطن آیات و روایات امکان‌پذیر است و از نظر نگارندگان نگاه جامع و کلان به آیات و روایات ضروری است تا بتوان در یک ساختار نظام‌مند احادیث مذکور را تحلیل نمود. از این‌رو در ادامه با توجه به مستندات جایگاه و نقش هر سه عنصر در نظام پولی اسلام را تبیین خواهیم کرد.

۳-۲-۱. جایگاه مردم (عرف) در نظام پولی اسلام

همان‌طور که مشخص است پول از جمله عناوین عرفی و عقلایی است و عنوان شرعی نیست. عناوین عرفی و عقلایی به اموری اطلاق می‌گردد که شارع در ایجاد عنوان و

مُعَنُون (مصدق) آنها هیچ‌گونه دخالتی ندارد. این عناوین به اعتبار مُعَنُون آنها قابل تقسیم به انواعی می‌باشد که عبارت‌اند از:

ا. عناوینی که عرف و عقلا بر امور تکوینی موجود در خارج اطلاق می‌کنند؛ مانند عنوان گندم و...؛

ب. عناوینی که معنوی آنها توسط عرف و عقلا وضع و اعتبار می‌گردد، یا اینکه عرف عام و عقلا آن وضع و اعتبار را می‌پذیرند؛ به‌عنوان مثال، برای برطرف کردن مشکلات مبادلات پایاپای، آنها پذیرفته‌اند که شیء خاصی تحت‌عنوان پول، با برعهده گرفتن وظایفی، در مبادلات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ج. عناوینی که عرفی و عقلایی محسوب می‌شوند، اما نه به این معنا که عرف و عقلا آنها را وضع و اعتبار کرده باشند، بلکه آنها بعضی از اشیا را به نحوی مورد استفاده قرار داده و به‌کار می‌گیرند که از نحوه به‌کارگیری و استفاده آنها، آن عناوین خاص برای آن اشیا انتزاع می‌گردد. به‌نظر می‌آید پول یک عنوان عرفی از نوع دوم است. اما ممکن است عناوینی به پول ملحق گردد که از نوع سوم باشد؛ به‌عنوان مثال، اگر پول مال باشد، مال عنوانی است که از نحوه به‌کارگیری پول توسط عرف و عقلا انتزاع می‌گردد.

د. عناوینی که توسط عرف خاصی وضع و اعتبار می‌گردد؛ مثل تورم، سود، ثروت و ... که عرف اقتصادی آنها را اعتبار می‌کند؛ یعنی عرف خاص اقتصادی حالت خاصی از افزایش قیمت‌ها (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها) را تورم می‌گوید (یوسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۷).

در این میان مسأله حائز اهمیت این است که اگر بر این عناوین عرفی احکامی مترتب گردد، هرگاه آن عنوان بر هر مصداقی از نظر عرف منطبق شد، به دنبال آن، حکم آن عنوان بر آن مصداق مترتب می‌گردد. اما اگر تطبیق عنوانی بر مصداقی مورد تردید قرار گرفت، در این صورت چه راهکاری می‌توان جست. در مورد عناوینی که توسط عرف خاص وضع و اعتبار شده است، باید به عرف خاص آن مراجعه کرد تا با به‌دست آوردن ضابطه

آن عنوان مصداق مورد تردید و شک را، از شک و گمان خارج ساخت (یوسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۸).

بدین منظور در مورد قسمت «ب» (عناوین عرفی و عقلایی که توسط عرف عام وضع و اعتبار شده است)، روش ضابطه‌یابی و شناخت ویژگی‌های آن، مانند قسمت «الف» است، اما با این تفاوت که در این مورد توجه و نظر ما در کشف آن ضابطه علاوه بر اینکه ناظر به اموری است که توسط عرف و عقلا وضع شده است، ناظر به شرایط و ویژگی‌هایی است که شارع مقدس در امضاء آن، مورد توجه قرار داده است. لازم به ذکر است به نظر می‌رسد بیان یوسفی در کتاب ماهیت پول (۱۳۷۴) در این زمینه، بیانی ناقص است. ایشان می‌نویسد: «کشف ضابطه در این موارد ناظر به امری است که توسط عرف و عقلا وضع شده است و در این دو قسم، هیچ‌گاه نباید از موضع حقوقی و ارزشی خاصی سخن گفت. زیرا در آن صورت ممکن است به خطا رفته و از کشف واقعیت مورد نظر دور مانیم» (یوسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۹).

در توضیح نقص بیان ایشان باید گفت اولاً علاوه بر توجه به عرف در مواردی که شارع عمل عرف را با اصلاحاتی و بیان شرایطی امضا نموده است، توجه به آن اصلاحات و شرایط مهم است و از نظر ما پول عنوان عرفی‌ای است که شارع مقدس شروط و ضوابطی برای آن در نظر گرفته که در ادامه بیان می‌شود؛ ثانیاً باید گفت عرف بماهو عرف از ادله اثباتی در فقه نیست و هر عرف ایجاد شده مُمضی شرع نیست، بلکه بسیار مرسوم است که امری عرفی می‌شود ولی شرع آن را مردود اعلام می‌کند و وجهه اثباتی به آن نمی‌دهد، مانند قمار در زمان قبل از بعثت در میان اعراب؛ همچنین بالعکس، عرفی بوده است که شرع مهر تأیید به آن زده و آن را با شروطی مورد قبول قرار داده است، مانند عرف‌های موجود در مقام معاملاتی چون بیع.

حال حتی در مقام شک در اینکه آیا در موضوعی مانند پول بماهو پول که قطعاً موضوعی بوده که قبل از اسلام وجود داشته است و در مقام مبادلات از آن بهره می‌بردند، شرع بدون وضع شروطی آن را پذیرفته یا خیر؛ به صرف عرفی بودن نمی‌توان به امضاء شرع حکم نمود، بلکه باید جهت رفع شک در ابتدا فحص کافی در ادله راجع به این موضوع انجام گیرد که مقدمه این فحص تحلیل دقیق ماهیت پولی است و پس از تحلیل

ماهیت و فحوص در ادله در صورت عدم تفوق بر شروطی در این باب، می‌توان جهت ایضاح موضوع به عرف رجوع نمود.

بنابراین اعتنای به عرف بماهو عرف بدون فحوص ادله از حیث فقهی مردود است. همچنین این سخن بدین معنا نیست که مردم و عرف در نظام پولی اسلامی جایگاهی ندارند. بلکه با توجه به تاریخ صدر اسلام و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌توان بیان کرد که مردم برای رفع نیازهای معاملاتی و مبادلاتی خویش انواع پول‌ها را مورد استفاده قرار می‌دادند و در هر ناحیه‌ای براساس عرف آن، یک نوع و یا انواعی از پول‌ها رایج بوده است و برخی دیگر غیررایج بوده است و اسلام فی‌نفسه با این موضوع مشکلی نداشته است و به‌نوعی پول رایج با هر عرف را که نوعی از پول خصوصی بوده است را امضاء نموده است ولی این امضاء از تطبیق آن با اصول و شرایط بوده است نه صرف اینکه چون عرف آن را پذیرفته بوده است، آن را امضاء نموده است.

به‌عنوان مثال در روایت وارد شده است «وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ جَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ سَجِسْتَانَ فَقَالَ إِنَّ عِنْدَنَا دَرَاهِمَ يُقَالُ لَهَا الشَّامِيَّةُ تَحْمِلُ عَلَى الدَّرَاهِمِ دَانِقِينَ. فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ يَجُوزُ ذَلِكَ».

«محمد بن مسلم گوید: مردی از اهل سیستان نزد امام باقر(ع) آمده عرض کرد در سرزمین ما درهم‌هایی (پول نقره مسکوک) رایج است که آن را شامی می‌گویند (و با درهم‌های معمولی تفاوت دارد) و به اندازه دو دانگ مخلوط دارد، یا زیادتر است، فرمود: این اشکال ندارد و تبادل آن جایز است». این روایت، بحث رواج انواع پول در عرف‌های مختلف را نشان می‌دهد و وجود دو نوع پول رایج و غیر رایج نیز برفرض آنکه درهم‌های معمولی مندرج در سؤال سائل را پول رایج محسوب کنیم را می‌توان برداشت نمود. از سوی دیگر شرع مقدس این عنوان را امضا نموده است.

لازم به ذکر است که در هنگام ظهور اسلام و بعثت پیامبر اکرم(ص)، آن حضرت معامله با سکه‌های رایج رومی با همان مشخصات را مورد تأیید و امضا قرار داده، خود و سایر مسلمانان در معاملاتشان، بدون هیچ‌گونه تغییری در آنها، همان سکه‌ها را مورد استفاده قرار می‌دادند^{۲۰} (یوسفی، ۱۳۷۴، ص. ۲۱۸). همچنین بعضی از منابع تاریخی نقل می‌کنند که «رسول خدا(ص) دینارهایی را که قیصر روم برای آن حضرت فرستاده

بود، پذیرفتند و آنها را بین اصحاب خود تقسیم کردند و بر همین نوع سکه‌ها، زکات اموال را واجب نمودند» (فهمی عزیز، ۱۹۶۵م، ص. ۳۰).

از مجموع روایات بیان شده در مقام رواج پول و قبول پول‌های رایج و شرایط آن توسط پیامبر اکرم باید این گونه جمع‌بندی نمود که اولاً ماهیت پول بماهو پول مورد تأیید و امضاء معصوم قرار گرفته و نشان از شرعی بودن دلایل ایجاد ماهیت پول علاوه بر منطقی بودن آن دارد. ثانیاً بر پایه مهم‌ترین منطق ایجاد پول که تسهیل در معاملات و مبادلات بوده، شرایط عام ثمن و مثن در عقود معوض را می‌توان جزء عمده شروط حاکم بر ایجاد پول دانست. حال از مجموع این دو نتیجه، باید در مقام پاسخ به یک سؤال اساسی برآمد که آیا با توجه به روایاتی که نشان از رواج داشتن سکه‌های مختلف در مناطق مختلف بوده و تأییدیه که پیامبر بر آنها زده است از یک سو و از سوی مقابل با توجه به روایاتی که در مقام ضرب سکه و خلق و نشر پول تکیه دارد و عمدتاً به نوعی دخالت حکومت در تعیین مصداق پول و خلق آن مُشعر است^{۲۱}، می‌توان حکم بر انحصار تعیین مصداق پول و خلق آن در ید حاکم داد یا خیر؟ یعنی آیا عرف و مردم در خلق پول و تعریف پول عرفی می‌توانند نقش داشته باشند یا تعیین مصداق پول و خلق آن در انحصار حکومت است؟

قبل از پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه داشت که بدون شک شرایط عام حاکم بر ماهیت پول که در این مقاله مفصلاً بدان اشاره خواهد شد، چه قائل به انحصار خلق پول در ید حاکم باشیم و چه قائل به عدم انحصار باشیم، در هر دو حالت، شرایط باید لحاظ گردند و رعایت شوند. حال در مقام پاسخ به سؤال مطروحه باید گفت اکثر روایات مشعر به ماهیت پول، در واقع نوعی روایت تاریخی است و مانند سایر ابواب فقهی که احکام را می‌توان از مقام سائل و مُجیب استنتاج کرد، نیست. لذا از این روایات فقط می‌توان قاعده‌ای عام را که همان امضاء رواج ماهیتی به نام پول در بازار و در مقام معاملات بوده است را استنتاج نمود و بنابر اصل اباحه فی نفسه و قطع نظر از مقام فقه حکومتی می‌توان بدان قائل شد که تعیین مصداق پول در عرف و رواج آن فی نفسه مشکلی ندارد. اما لازم به ذکر است که از سوی دیگر خلق پول توسط نهادهای غیرحاکمیتی ضرورتی مستحدث است که مانند سایر موضوعات مستحدثه باید از قواعد

عام استخراج گردد. فارغ از مزایای متصور برای چنین خلقی، می‌توان موانعی از باب فقه حکومتی مانند تضعیف نظام اقتصادی به دلیل عدم تمرکز خلق پول و مانند آن برشمرد که این موضوع احتیاج به یک تحلیل اقتصادی در مقام تعادل فی‌مابین مزایا و معایب خلق پول توسط نهادهای غیر حاکمیتی دارد که به‌عنوان موضوع علی‌حده می‌توان از آن بحث نمود.

بنابراین می‌توان گفت که در نظام پولی اسلامی، در تعیین مصادیق پول برای رفع مشکلات اقتصادی، تشکیل و رواج داشتن مصادیق پول عرفی فی‌نفسه از نظر اسلام اشکالی ندارد، ولی حاکمیت اسلامی وظیفه نظارت و کنترل اصول و شرایط حاکم بر پول را دارا می‌باشند و در نهایت اعتبار مصادیق مختلف پول که در بین مردم و عرف (اعم از عرف خاص و عرف عام) پذیرفته می‌شود را تأیید یا رد نهایی می‌نماید. برای توضیح بیشتر و روشن شدن جایگاه حکومت در ادامه به جایگاه حاکمیت اسلامی در امضاء عنوان عرفی‌ای مانند پول و بیان شرایط مختلف آن پرداخته شده است.

۲-۳-۲. نقش حاکمیت اسلامی در نظام پولی

با توجه به تاریخ و آیات و روایات می‌توان بیان کرد، در نظام پولی اسلام شارع مقدس، دو نقش عمده برای حاکمیت و حکومت اسلامی در نظر گرفته است. اولین نقش تبیین موازین شرعی و معیارها و تطبیق دادن مقتضیات زمان و مکان با چارچوب ثابت شریعت است. همان‌طور که بیان شد اگرچه موضوع و عنوان پول شرعی نیست و برایش حکم شرعی مستقل مثل عنوان صلاة مطرح نیست، اما این موضوع باید همانند کلیه موضوعات از موازین شرعی تبعیت کند و لذا می‌بایست بررسی کرد که از نظر شارع چه معیارها و موازینی در این موضوع مورد توجه بوده است و حاکمیت هم وظیفه صیانت از این چارچوب و معیارها را دارد.

از سوی دیگر نقش دوم حکومت اسلامی در نظام پولی بحث قدرت در اجرا و نظارت بر نظام پولی از یک‌سو و از سوی دیگر حفظ نظام اسلامی و منافع و مصالح مردم در مقابل حوادث غیرمنتظره و یا حتی نظام سلطه با ابزار پول است که باید مورد توجه قرار گیرد. به‌عبارت‌دیگر به‌نظر می‌رسد پول جزو حوزه نفوذ حاکمیت است و حفظ ثبات

پولی و نظارت بر ضرب و خلق پول و گاهی دخالت در ضرب سکه جزو وظایف حاکمیت حکومت اسلامی است. البته ذکر این نکته ضروری است که این نقش اصلاً به معنای ضرب و خلق پول بی‌رویه نیست، زیرا این عملکرد با روح حاکم بر کل نظام پولی اسلامی (یعنی با مجموع مبانی، اصول، ضوابط و شرایط نظام پولی اسلامی) و وظیفه دولت، که صیانت از مصالح مردم است، منافات دارد و باید خلق پول قوام‌بخش باشد که در بخش بعدی توضیحات کامل درباره آن بیان می‌شود. اما برای اثبات این دو نقش باید به تاریخ صدر اسلام و روایات وارده در این خصوص توجه کرد. در خصوص نقش اول واضح است که مراجعه مدام مردم (عرف) به امامان معصوم علیهم‌السلام و بیان مسائل خویش در خصوص پول و معاملات نشان از جایگاه و نقش ایشان داشته است و به‌طور کلی روند امضا و یا رد عنوان عرفی هم توسط حاکم شرع موضوعی اثبات شده است. به‌عنوان مثال رَوَى أَبُو هِشَامٍ الْبَصْرِيُّ عَنْ الرَّضَاعِ أَنَّهُ قَالَ مِنَ الْفَسَادِ قَطْعُ الذَّرْهَمِ وَ الدَّيْنَارِ وَ طَرْحُ النَّوَى. امام رضا(ع) فرمود: از موارد فساد و اسراف مال شکستن پول مسکوک سالم است برای مصرف دیگر و دور انداختن هسته خرما است. همان‌گونه که از روایت برمی‌آید رواج پول مسکوک در زمان امام رضا(ع) که از سوی حکومت ضرب گردیده است، مورد عنایت امام(ع) قرار داشته است و به دلیل صرف هزینه جهت ضرب سکه شکستن پول مسکوک در جهتی غیر از معامله و استفاده در جهتی غیر از موارد معمول بهره‌مندی از پول را از مصادیق اسراف می‌دانند. لذا تبیین موازین شرعی و معیارها یکی از وظایف معصومین به‌عنوان حاکم بوده است و در تبیین سازوکار ارتباط بین اجزا و عناصر نظام پولی اسلام باید به این اصول و موازین خاص در مورد پدیده پول توجه ویژه کرد که در بخش بعدی به آنها اشاره می‌شود.

در خصوص نقش دوم باید گفت که از جمله موضوعات مطرح شده در موضوع پول، مرجع نظارت و تأیید ضرب، خلق و حجم نقدینگی در بازار است که بحث‌های اندکی در مورد آن صورت گرفته است. اما در مورد بحث، باید از منظر نظام اقتصاد اسلامی به این موارد نگرسته شود و از حیث نقلی، عقلی و عقلایی و به‌طور کلی با توجه به منابع مورد استناد فقهی، پاسخ مناسب داده شود.

از حیث نقلی چند روایت در منابع شیعه و عامه از امامان معصوم (ع) منقول است^{۲۲} که از حیث مضمون با یکدیگر وفاق داشته و کلیاتی را بیان می‌نماید که حائز اهمیت بسیار زیادی در تأیید نقش مطرح شده در باب نظام پولی اسلامی دارد. به این احادیث ایراداتی را نیز از حیث سندی می‌توان وارد نمود و پاسخ‌های منطقی به آن داد و در نهایت به نتایجی رسید که بتوان به‌عنوان طلیعه نظام پولی به آن استناد نمود. همچنین طبق آنچه که گذشت در هنگام ظهور دین اسلام پیامبر اکرم (ص) معامله با آن سکه‌ها را با همان مشخصات مورد تأیید و امضا قرار داده و سایر مسلمانان در معاملاتشان، بدون هیچ‌گونه تغییری در آن‌ها، همان سکه‌ها را مورد استفاده قرار می‌دادند. ولی طبق نقل‌های تاریخی در شرایطی خاص امیرالمؤمنین (ع) و یا حاکم اسلامی با راهنمایی و تأیید امام معصوم (ع) به ضرب سکه پرداخته است که این امر برای احیای ارزش‌ها و حفظ اصول اسلامی بوده است. به‌عنوان مثال در حیات الحیوان شیخ کمال‌الدین دمیری و در شذرات العقود مقریزی و جاهای دیگر به نقل از کسایی آمده که گفته است که هارون‌الرشید داستان ضرب سکه توسط عبدالملک مروان را این‌گونه تعریف کرده که اسکناس‌ها همه متعلق به رومی‌ها بود و بر آن عبارت (پدر، پسر و روح‌القدس) نقش بسته بود. در زمان صدر اسلام همه اسکناس‌ها به همین شکل بود تا اینکه عبدالملک بن مروان متوجه این نکته شد و این مطلب را برای برادرش عبدالعزیز که کارگزار او در مصر بود نوشت و به او دستور داد که این نقش‌ها را باطل سازد و به سازندگان اسکناس دستور دهد که آنها را با سوره‌ای از قرآن، نقش دهند.

وقتی پادشاه روم باخبر شد، خشمگین شد و طی نامه‌ای به عبدالملک بن مروان نوشت که چاپ اسکناس در مصر و هر آنچه که در آنجا ضرب می‌شود متعلق به روم است و تهدید کرد که اگر این وضع ادامه پیدا کند، بر درهم و دینارهایی که ضرب می‌شود دشنام و ناسزا به پیامبر (ص) را نقش می‌بندد. عبدالملک در تنگنا قرار گرفته بود و با مشاوران مسلمان به مشورت پرداخت ولی نتیجه‌ای قطعی حاصل نگردید و بالاخره به سراغ امام باقر (ع) روی آورد. امام باقر (ع) در پاسخ به او فرمود: کسی را بخواهی که درهم و دینارها را برایت ضرب کند و بر یک‌طرف آنها نقش «توحید» و بر طرف دیگر «محمد رسول‌الله» را نقش زنی و در حاشیه آن نام شهری را که سکه در آن ضرب شده

و نیز سال آن را قید کنی. آنگاه امام(ع)، راه حلی را ارائه دادند که طی آن امکان کم و کاست در وزن درهم و دینارها یا جعل آنها را از میان می برد همچنان که نحوه ساخت سکه های اسلامی را با قطعات گردی از بلور که قابل افزایش و کاهش نیست، توضیح دادند. همچنین فرمودند: وقتی اینکار را کردی فرمان به وجوب معامله با آنها را صادر کن و مخالفین را به اشد مجازات تهدید نما و بدین ترتیب راه را بر پادشاه روم می بندی و از پول های او بی نیاز می شوی. این خلاصه جریانی بود که دمیری در حیاة الحیوان به نقل از «المحاسن و المساوی» بیهقی نقل کرده و جز او نیز به همین مضمون از شذرات العقود مقریزی، نقل کرده اند (معروف، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص. ۲۱۴).

با توجه به روایات فوق می توان فهم کرد که بحث ضرب سکه توسط حکومت اسلامی و جایگاه آن در مواجهه با کفار، در مقام بیان جایگاه و نقش حکومت اسلامی در نظام پولی بوده و به استقلال و نفوذ ایشان حتی از باب تطبیق مصداق نفی سبیل کفار بر مسلمین اشاره دارد و همچنین استفاده از قوه قاهره حکومت اسلامی در یکپارچگی خلق و ضرب سکه توسط حکومت و بی اعتباری سایر پول های خلق شده و سکه های ضرب شده است.

۲-۳-۳. نقش بازار (سوق) در نظام پولی

عنصر یا جزء سوم که در نظام پولی اسلام مورد توجه است و کاربردهایی دارد، نهاد بازار است. با توجه به روایات می توان گفت که جایگاه و نقش بازار در نظام پولی اسلام تعیین رابطه قیمتی بین انواع پول ها بوده است و همچنین قیمت پول بوده است. این نقش در رفع مجهولیت ثمن و مثنی و تعیین معیار ارزش پول تأثیر داشته است که در ادامه شرح داده می شود.

در صدر اسلام دو نوع پول «درهم» و «دینار» در عرض هم در مبادلات مورد استفاده قرار می گرفت. درحالی که هیچ گونه رابطه قیمتی مشخص بین آن دو وجود نداشت و آن رابطه با توجه به میزان عرضه و رابطه قیمتی درهم و دینار در زمان رسول الله یک به ده بود؛ یعنی هر دینار در مقابل ده درهم معامله می شد. درحالی که در زمان عمر یک دینار به دوازده درهم معامله می گردید، این رابطه همچنان متغیر بود؛ به طوری که یک دینار به

۱۳ درهم، ۱۵ درهم، ۲۵ درهم و گاهی به ۳۵ درهم نیز معامله می‌شد (یوسفی ۳، ۱۳۷۷، ص. ۱۱۹).

لذا در نظام پولی اسلام برای توازن و تعادل قیمتی بین انواع پول‌ها، جایگاه و نقش مهمی برای بازار در نظر گرفته شده است. حال که جایگاه و نقش عناصر و اجزاء نظام پولی اسلام مشخص گردید، باید روابط و شروط حاکم بر روابط بین عناصر نظام که برای رسیدن به اهداف باهم در حال ارتباط هستند، روشن گردد. از این رو در ادامه به شروط و ویژگی‌های حاکم بر سازوکارهای بین نهادها و عناصر نظام پولی پرداخته می‌شود.

۴-۱. شرایط و ویژگی‌های حاکم بر پول و نهادهای نظام پولی

همان‌گونه که بیان شد در نظام، نهادها و عناصر برای رسیدن به اهداف باهم در ارتباط هستند. ارتباط بین نهادهای نظام باید به گونه‌ای دقیق و منظم باشد که در نتیجه اهداف محقق گردد. با بررسی آیات و روایات می‌توان بیان کرد که در نظام پولی اسلام شرایط و ویژگی‌هایی بر روابط بین عناصر حاکم است که شارع مقدس در جهت تحقق اهداف و رعایت اصول نظام پولی و نظام اقتصادی اسلام مانند حق و عدل و قوام، آنها را وضع کرده است. یکی از نکات مهم در بررسی این شرایط و ویژگی‌ها این است که اکثر این شرایط، حول نقطه مرکزی یعنی مفهوم پول و ویژگی‌های آن وضع شده است و در ضمن شرایط معاملات و مبادلات تبیین و تشریح شده است. لذا در ادامه شرایط و ویژگی‌های حاکم بر پول به عنوان نقطه مرکزی در روابط عناصر نظام پولی تشریح می‌گردد و در ضمن آن روابط تشریح خواهد شد.

۴-۲. ۱- شرایط و ویژگی‌های پول

با بررسی منابع فقهی که حتی استطراداً از پول سخن به میان آمده است و همچنین کارایی‌هایی که از پول انتظار می‌رود، شروط و ویژگی‌ها جهت تحقق صحت مبادلات و حتی اطلاق پول بر مصداق خاص استخراج می‌گردد که در ادامه به تفکیک بیان می‌گردد.

۲-۴-۱. «ارزش و مالیت» داشتن مصداق پول

یکی از مهم‌ترین شرایط پول وجود ارزش و مالیت است که می‌توان گفت به اصل قوام پول بازگشت دارد. یعنی با عنایت دقیق به روایاتی که در مقام بیان نوعی مبادله می‌باشند چه این مبادله در مقام تجارت باشد مانند روایت عروه باری، چه این مبادله در مقام جبران ضرر باشد مانند روایات ناظر به دیات یا این مبادله در مقام صلح باشد عوضی در مقام مبادله تعیین می‌گردد که از حیث عرفی دارای ارزش و مالیت است، زیرا در هر یک مواضع مطرح شده و با توجه به روایات فارغ از بحث غبن عدم وجود ارزش معاملی طرفین را در موقعیت انجام عمل عبث قرار می‌دهد. لذا با توجه به کلام فقها در باب عقود، مالیت مورد معامله جزء شروط صحت عقود است. با رجوع به تعاریف مختلف فقها (انصاری، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۱۰، مامقانی، ۱۳۱۶ق، ص. ۴۲۴ و نائینی، ۱۳۷۳ق، ص. ۳۳۹) در رابطه با مفهوم مال، قدر متیقن از آن تعاریف، این است که عوضین ارزش دادوستد را داشته باشند تا بذل مال در مقابل آن صحیح باشد و این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه فی‌الجمله مورد معامله دارای منفعتی باشد که برای تحصیل آن منفعت، مبادلات شکل می‌گیرد.

حال این ارزش دادوستدی یا براساس امری واقعی تعیین می‌گردد یا موضوع معینی اعتبار می‌گردد و در عالم واقع دارای عینیتی نیست. با توجه به اینکه برخی از پول‌ها اعتباری هستند، مسأله اعتباریات و ریشه آن حائز اهمیت است. در باب اعتباریات می‌توان گفت که اعتباریات و انتزاعیات بر اموری اطلاق می‌شود که قائم به وجود اعتبارکنندگان است، مانند کلیت، جزئیت، شیئیت. اعتباریات ممکن است در خارج منشأ انتزاع پیدا کنند اما ممکن است پیدا نکنند و تنها برساخته ذهن فعال بشر باشند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص. ۶۶).

شهید مطهری (ره) استعمال مفاهیم اعتباری را در اصطلاح فلسفی این‌گونه بیان می‌نماید که فلاسفه معتقداند دو گونه مفهوم در ذهن بشر عارض می‌گردد: اول مفاهیمی که مستقیماً در خارج وجود دارند. این مفاهیم از مثال‌های خارجی اخذ می‌گردند و بر ذهن عارض می‌شوند. دوم، مفاهیمی که مستقیماً در خارج وجود ندارد و از مفاهیم دیگری که در خارج موجودند انتزاع می‌شوند. از این مفاهیم در اشیای خارجی صدق

می‌کنند ولی مفهوم موجود درباره آنها صدق نمی‌کند، مانند مفهوم امکان. مهم‌ترین عنصر در این علوم نحوه اعتبار معتبر است که محتوای داشته‌های آنها را برای مخاطبین مشخص می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۹، صص. ۳۶۲-۳۶۳).

حقیقت مورد نظر در باب صحت معاملات این است که عوضین منفعت معتبر عقلایی داشته باشند، منوط به اینکه منع شرعی نداشته باشند؛ زیرا شارع آثار مالیت بعضی از اشیایی که عقلاً با آن معامله مال می‌کنند را الغا کرده است، به این معنا که حکماً مال نمی‌باشند نه آنکه شارع مالیت برخی از اشیاء را کاملاً الغا کرده باشد.

همچنین ذکر این نکته لازم است که برخی از فقها بر این نظر دارند که گاهی شکل‌گیری مبادلات به دلیل مالیت آنها و گاهی به خاطر غرض دیگری است. در نتیجه در معاملات که سائر مقاصد عقلایی (غیر از مالیت) در آنها موجود باشد را نیز می‌توان صحیح دانست (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۲).

احراز منفعت عقلایی مذکور بدین نحو است که منشأ عمل عقلاء مبتنی بر تسامح و سهل‌انگاری نباشد، بلکه بر پایه دقت استوار باشد. البته امام خمینی (ره) در برخی از موارد تسامح عرفی را مورد قبول قرار داده‌اند که از محل بحث خارج است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص. ۲۲۷). در مجموع باید گفت که اعتماد به سیره عقلاء زمانی است که عقلاً براساس دقت نظر عمل نمایند و این سیره در شرع مورد نفی واقع نشده باشد. همچنین عرف جوامع در طول زمان و به اقتضای شرایط و نیازهای جدید دچار تغییر و تحول می‌شود و سیره‌های نو یا مستحدثی به وجود می‌آیند. فقها در حجیت سیره عقلاء دارای اختلاف هستند و سه دسته نظر برداشت می‌گردد. اول نظریه امضاء یا احراز عدم ردع^{۲۴} (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص. ۱۹۸)؛ دوم نظریه اعتبار یا عدم احراز ردع (مغنیه، ۱۳۵۲، ص. ۲۲۲)؛ و سوم واگذاری برخی امور به عرف و عقلای جامعه توسط شارع مقدس (معرفت، ۱۳۷۴، ص. ۶۰). آنچه باید بدان توجه داشت این است که اگرچه سه نظریه با یکدیگر اختلاف مبنایی دارند ولی در یک نقطه اشتراک دارند و آنکه اگر سیره عقلایی مورد مخالفت صریح شرع باشد فاقد اعتبار است.

۲-۴-۱-۲. «معلومات پول» از حیث جنس، وصف و مقدار

بر مبنای روایات پول در مقام معامله و مبادله، باید از حیث مقدار، جنس و وصف معلوم باشد. همچنین اگر پول از نوع پول‌های کاغذی و به‌طور کلی پول‌هایی که در واقع حاکی از ارزش هستند، نه اینکه خود بالذات دارای ارزش باشند، باید حاکی از ملاکی باشند که آن ملاک بالذات دارای ارزش قابل‌سنجش است. در نتیجه ارزش پول به هر چه می‌خواهد باشد، خواه قانون، خواه اعتبار، خواه فلز پشتوانه و یا هر چیز دیگر فرق ندارد و تمام مذکورات در شرطیت معلومات ارزش با یکدیگر مشترک هستند. لازم به ذکر است که با این تحلیل تعاریف متعدد از پول و ملاک‌های مختلف در ارزش پول و در ماهیت ارزش این ملاک‌ها به یک وحدت نزدیک می‌شوند. وجود ملاک ارزش برای پول امری لابدمنه است تا از این طریق برابری عوضین در مقام مبادله سنجیده شود ولی ارزش امری اعتباری، جهت قوام خود احتیاج به تکیه بر امری دارد که بتواند هم معنای واقعی ارزش را تحقق بخشد هم بتواند تعادل در ارزش بین پول و کالاها را تأمین نماید. اجماع فقها بر تعیین جوانب عوضین از حیث جنس و وصف و قدر می‌باشد که در ادامه مستنداً این امر بیان می‌شود. به عبارت دیگر در فقه به علل مختلفی برای اثبات معلومات عوضین استناد نموده‌اند. اولین استناد به قاعده نفی غرر از معاملات است که با عنایت به کلام فقها به نظر می‌رسد که در صحت این قاعده بین فقها اتفاق نظر وجود دارد و اتفاق از شهرت ارجح است و به طریق اولی جابر ضعف سند روایات مربوطه خواهد بود.

در شروط عقد داریم که: «الخامسة - يشترط علم الثمن قدرا و جنسا و وصفا قبل إيقاع عقد البيع، فلا يصح البيع بحكم أحد المتعاقدين، أو أجنبي اتفاقا، و إن ورد في رواية شاذة «جواز» تحكيم المشتري، فيلزمه الحكم بالقيمة فما زاد، و لا بثمن مجهول القدر و إن شوهد، لبقاء الجهالة، و ثبوت الغرر المنفي معها»^{۲۵}.

شهید ثانی در مقام شرح شرط پنجم در عوضین در کتاب المتاجر بیان می‌نماید که باید به ثمن از حیث مقدار، جنس و وصف علم داشت و دلیل آن را رفع غرر منهی عنه بیان داشته است و این شرط را قریب به اجماع فقها مورد قبول قرار داده‌اند و معامله بدون این شرط را موجب فساد می‌دانند.

معین بودن مبیع به این معنی است که مبیع یکی از دو چند چیز معلوم باشد و همچنین ثمن؛ لذا اگر مصادیق یک کالا مختلف باشد و موضوع عقد بیع واقع شود تردیدی در بطلان عقد وجود ندارد و حکمت آن این است که رعایت نشدن این شرط موجب مبهم شدن تعهد فردی است که ملزم به تسلیم کالا است. در نتیجه موجب معامله غرری می‌شود که مورد نهی است. معلوم بودن مبیع در تمامی موارد یکسان نیست در عوضین معین و کلی باید مقدار و وصف و جنس عین معین باشد ولی تفاوتی در بین هست و آن اینکه در عوضین معین علم طرفین کافی است ولی در توافق کلی طرفین در مورد مقدار وصف و جنس ضروری است تا مبهم شدن عوضین موجب مبهم شدن تعهد طرفین نشود ولی در مورد ثمن حتی اگر مشاهده شود باید وصف، مقدار و اندازه آن معلوم باشد. بهر حال ضابطه صحت بیع همان طور که اشاره شد این است که عقد غرری نباشد. حتی اگر ثمن نقد باشد باز هم طرفین عقد باید به مقدار چگونگی آن آگاه باشند و درج شرطی که موجب جهل به آن شود مبطل عقد است، مانند اینکه ثمن را صد سکه قرار دهیم و معلوم نباشد که صد سکه طلا باشد یا نقره یا ...؛ البته بعضی از فقها از جمله صاحب حدائق^{۲۶} جهل به ثمن را موجب بطلان بیع نمی‌داند و معتقد است که در صورت مجهول بودن ثمن مبیع به طور عادلانه تقویم می‌شود و ثمن پرداخت می‌گردد؛ مقدس اردبیلی هم قیمت سوقیه یا همان قیمت بازار را جانشین ثمن مجهول می‌داند که البته این گفته ایشان تا حدودی می‌تواند صحیح باشد ولی در مواردی که ارزش یک کالا یا یک اثر را تمایلات طرفین معین می‌نماید؛ میزان رغبت ایشان نمی‌تواند ملاک قرار گیرد. در ما نحن فیه نیز با عنایت به کلام شهید صدر (ره) و سائر اقتصادیان، پول علاوه بر آنکه معیار ارزش‌گذاری سائر کالاها بوده، وسیله تبادل نیز است و در معاملات در اکثر حالات در مقام ثمن قرار می‌گیرد، در نتیجه باید شرط مذکور از ناحیه فقها را دارا باشد، در غیر این صورت معامله غرری و باطل خواهد بود. علی‌ای‌الحال معلومیت ارزش و اطراف پول از حیث مقدار، جنس و وصف امری لابد منه است.

دومین استناد به روایات بیع مکیل و موزون است که مضمون همه آنها حکم به بطلان معامله‌ای است که مورد معامله مجهول است، مانند روایت حماد از امام صادق (ع) که فرمود: «یکره ان یشتري الثوب بدینار غیر درهم لانه لا یدری کم الدینار من الدرهم» (کلینی،

۱۴۰۷ق، ص. ۱۹). ظاهر این روایات اگرچه مخصوص بیع است اما با توجه به تعلیلی که در برخی از آنها به یک امر ارتكازی عقلایی دیده می‌شود می‌توان الغای خصوصیت نمود؛ مثلاً چنان‌که در روایت بالا، امام صادق(ع) خریدن یک لباس به قیمت یک دینار منهای یک درهم را صحیح نمی‌داند و در تعلیل آن به این نکته ارتكازی عقلایی استدلال می‌فرماید که معلوم نیست دینار چند برابر درهم است، بنابراین مورد معامله مجهول می‌باشد. نتیجه آنکه جهل به مورد معامله در هر معامله‌ای موجب فساد آن است و اختصاصی به بیع ندارد.

سومین دلیل استناد به روایاتی است که در باب بیع سلم و روایات دیگر بر نفی جزاف در بیع نظر دارد که از جمله آن روایت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَا كَانَ مِنْ طَعَامٍ سَمِّيَتْ فِيهِ كَيْلًا فَلَا يَصْلُحُ مُجَازَفَةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۱۷۹) است.

این روایت اگرچه در باب مکیل به صورت خاص آمده است، اما متفاهم عرفی از این روایت آن است که آنچه دفع غرر می‌کند معتبر است و کیل همچون جزاف و غرر را دفع می‌کند در روایت مذکور است. در حقیقت موضوع جزاف است و دفع جزاف گاهی با کیل است و گاهی با وزن است و گاهی با موارد دیگر است و شاهد آن‌هم که در برخی روایات بحث سلم در متاع را به صورت مطلق ذکر کرده است اما فقط توصیف به طول و عرض در ضمن آن ذکر شده است، درحالی‌که طول و عرض فقط در برخی از کالاها جا دارد و در برخی دیگر نیست.

هدف از بیان روایات و مستندات مُعَلَّل بر معلومیت مورد معامله، اشاره‌هایی است که در این روایات بر موضوع پول نیز شده است و درواقع این روایات شاهد مثالی بر معلومیت ارزش پول و معلومیت ماهیت آن است.

۲-۴-۱-۳. «وجود ثبات نسبی» در ارزش پول

علاوه بر ذی ارزش بودن ملاک، با بررسی دقیق می‌توان دید که این عوض در طول زمان باید دارای ثبات نسبی در ارزش باشند، مانند طلا و نقره و شتر و گوسفند و ... تا نوسانات بازار، رسالت پول را که ایجاد قوام و ثبات اقتصادی را مخدوش نکند. همان‌گونه که بیان شد در میان قدماء از فقهاء^{۲۷} موضوع ارزش پول به خصوص در باب قرض که ملاک در

آن عودت مثل است، در صورت آنکه مبلغی پول قرض داده شود و در زمان عودت پول ارزش آن کاسته شده باشد بحث بر آن است که آیا باید همان مثل داده شود یا براساس تغییر قیمت مقترض باید پول را به مقترض عودت دهد؟ پس بحث تغییر ارزش پول در میان فقهاء امری مورد قبول و از طرف دیگر تبعات ارزش آنکه موجبات نوسانات اقتصادی و باعث عدم عدالت است را پی‌ریزی می‌نماید.

۲-۴-۲. شرایط ارتباط بین مردم و حکومت اسلامی

۱-۲-۴-۲. «نظارت بر اصول» و «خلق پول قوام‌بخش»

یکی دیگر از موضوعات مهم در روابط بین عناصر نظام پولی اسلام، رابطه بین مردم و حکومت اسلامی در امر نظارت بر اصول و خلق پول است. در این مورد باید گفت که همان‌طور در بخش قبل گذشت و توضیح داده شد، جایگاه دولت در نظام پولی اسلام براساس ضرورت حفظ اصول و موازین پولی تعریف می‌شود. حکومت اسلامی لازم است بر اصول و ویژگی‌های پول، صحت قراردادهای و بالاتر از همه بر اهمیت حفظ ارزش و ثبات پولی کشور نظارت کرده و با متخلفان برخورد کند. با حفظ این اصول و با فرض انحراف دولت از این موازین واضح است که دولت نیز موظف به جبران ضررهای پدید آمده است. در این میان یک بحث وجود دارد که گاهی حکومت اسلامی مجبور است برای رونق بخشیدن به اقتصاد و یا در شرایطی خاص جنگی خلق پول کند و با این کار حتی زمینه مناسبی را برای حمایت از فعالیت‌های تولیدی فراهم سازد اما میزان خلق پول که نوعی ایجاد دین برای حکومت اسلامی است با چه معیار و اصولی و به چه میزانی مجاز است؟ آیا خلق پول بدون ضابطه یا با اعمال ضوابط سلیقه‌ای از سوی حاکم مورد قبول است و یا با توجه به آنچه تحت عنوان مبانی و اصول، ضوابط و الزامات و شرایط حاکم بر پول در این مقاله بدان اشاره شد، اسلام جهت خلق پول ضوابط معین و مشخصی دارد که حاکم شرع جز بر مبنای احکام ثانویه نمی‌تواند از این اصول عدول کند؟

جهت تبیین بحث باید گفت عده‌ای از محققین اقتصاد اسلامی در مقام بیان خلق پول در ذیل حکومت اسلامی این‌گونه بیان نموده‌اند: «خلق پول یکی از مهم‌ترین و

اساسی‌ترین ویژگی‌های نظام پولی و اعتباری جدید است که براساس آن از هیچ پول آفریده می‌شود، به عبارت دیگر در بانکداری مرکزی نوین بانک مرکزی و شبکه بانکی صرفاً براساس اجازه‌ای که از طرف حاکمیت دارند می‌توانند کالای باارزشی به نام پول را خلق کنند» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۶).

همچنین ایشان در جای دیگر با تقسیم‌بندی خلق پول به دو قسم درونی و بیرونی این‌گونه معروض می‌دارد: «خلق پول بیرونی چاپ پول توسط بانک مرکزی جزو اختیارات حکومت اسلامی بوده است، اگر در چارچوب مصالح اقتصادی جامعه باشد دلیلی وجود ندارد آن را مخالف شریعت در نظر گرفت خلق پول درونی در شبکه بانکی در چارچوب نظام ذخیره جزئی نیز در صورتی که سپرده‌گیری و اعطای تسهیلات براساس موازین شرعی صورت پذیرد و متناسب با شرایط اقتصادی کشور باشد و وضع قوانین و مقررات مناسب مثل وضع مالیات بر درآمد حاصل از خلق پول مدیریت صحیحی درباره آن اعمال شود با تعالیم شرعی تعارضی ندارد» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۹۹). با توجه به این دو عبارت باید گفت تعارضی آشکار در مبنای استدلال ایشان وجود دارد. از یک سو به خلق پول بر مبنای مصالح اقتصادی و موازین شرعی و تناسب با شرایط اقتصادی اشاره دارد که از این کلام می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام قواعد و ضوابطی را در عرصه سیاست‌های پولی ارائه نموده است که شناخت آنها و عمل به آن لازم است و از سوی دیگر ایشان در تعریف خلق پول بیان دارد که براساس خلق پول از هیچ، پول آفریده می‌شود.

در مقام نقد این نظریه باید گفت که اولاً، با توجه به روایاتی که در بخش سابق بدان اشاره شد، تجویز خلق پول توسط حاکم اسلامی، به مقدار و ملاک ارزش پول از حیث میزان طلا و نقره به کاررفته در پول، اشاره شده است و ضرب و خلق سکه از هیچ نبوده است^{۲۸}؛ ثانیاً، با توجه به مبانی و اصول، شرایط و ویژگی‌های حاکم بر پول و نهادهای نظام پولی، اسلام چه در عرصه تعیین مصداق پول و چه از نظر شرایط خلق پول، آفریدن پول از هیچ را نپذیرفته است. زیرا خلق پول از هیچ با اصول عدل و قوام و ضوابط تناظر بین بخش حقیقی و اسمی اقتصاد و پایداری و ثبات و همچنین شرط وجود ثبات نسبی در پول مغایرت دارد و موجب برهم زدن نظام پولی اسلامی می‌شود. واضح است که

خلق پول از هیچ علاوه بر برهم زدن شرایط پایداری و ثبات، تناظر بین بخش اسمی و حقیقی اقتصاد را برهم زده و تورم را به وجود می‌آورد.

در نتیجه حتی اگر خالق پول حاکم باشد نباید از اصول و شرایط شریعت مگر از باب احکام ثانویه عدول کند. به عبارت دیگر سیاست‌های پولی از باب احکام اولیه چارچوبی برای حاکم هستند تا خلق پول بر آن مبنا انجام گیرد مگر در حال اضطرار که از باب احکام ثانویه و در زمان‌های ضروری تساهل در این سیاست‌ها قابل اغماض است هر چند از نظر نگارندگان در شرایط اضطرار هم اگر ممکن باشد باید خلق پول مبتنی بر مابه‌ازاء حقیقی اعم از دارایی‌های حکومت اسلامی باشد و به عبارت دیگر خلق پول از هیچ خروج از ضابطه‌مندی خلق پول است و با کلام شخص محقق نیز مبنی بر رعایت مصلحت و تعالیم شرعی در خلق پول نیز مخالف است.

لازم به ذکر است که تفویض کامل تعیین مصداق پول و ضوابط آن به ید عرف نیز که برخی محققین (یوسفی، ۱۳۷۴) بدان اشاره نمودند نیز جهت تفریطی بحث است که در مقام جمع بین این دو نظریه، باید گفت از حیث قواعد اصولی فقه، در ابتدا باید فحص جامع در ادله اعم از کتاب، سنت، اقوال علماء و بنای عقلاء نمود و در صورت فقد دلیل با توجه به کلیات اقدام به ایفاء نظر فقهی نمود. در نتیجه احاله تبیین و تشخیص موضوع و مصداق به یکسری قواعد و ضوابط کلی بدون فحص استنتاجی از ادله غیر فنی و احاله تشخیص مصداقی و مفهومی به عرف باوجود سایر ادله، فاقد توجیه عقلایی است.

نکته دیگر این است که فارغ از خلق پول توسط بانک مرکزی و نهاد حاکمیتی، بحث‌های مفصلی در خصوص خلق پول توسط سایر بانک‌های تجاری در نظام پولی و بانکی مطرح است که تحلیل و بررسی آنان در این تحقیق مقدور نیست ولی ذکر چند نکته به صورت خلاصه بسیار مهم است که در ذیل به آنان اشاره خواهد شد.

۱. به‌طور کلی فهم صحیح از ماهیت و کارکرد واقعی بانک، لازمه ضروری هرگونه قضاوت ارزشی است. در صورتی که بانک به‌عنوان یک «واسطه وجوه» در نظر گرفته شود، دلالت‌های ویژه‌ای در حوزه عدالت و فلسفه اخلاق خواهیم داشت که به کلی متفاوت باحالتی است که بانک به‌عنوان «خلق‌کننده پول» یا عرضه‌کننده واسطه مبادله در اقتصاد نگریسته شود.

۲. مروری بر ادبیات نقش بانکها در اقتصاد، نشان می‌دهد که سه رویکرد متفاوت در این موضوع وجود دارد، که هر یک حدود یک‌سوم از قرن بیستم حکومت داشته‌اند (Werner, 2014). رویکرد مرسوم فعلی (که البته پس از بحران مالی تا حدی دچار تزلزل شده) این است که بانکها صرفاً واسطه‌های مالی هستند که منابع را جمع‌آوری کرده و تخصیص می‌دهند، دقیقاً همانند سایر نهادهای مالی غیربانکی. در این رویکرد، هرگونه تمایز بین بانکها و نهادهای مالی غیربانکی، صرفاً به دلیل مقررات حاکم بر آنها و به قدری کوچک است که برای مدل‌سازی یا سیاست‌گذاری اهمیت خاصی ندارد. به همین دلیل روا خواهد بود که اقتصاد بدون توجه مستقیم به بانک مدل‌سازی شود. این رویکرد «نظریه واسطه‌گری مالی» در بانکداری^{۲۹} یا نظریه واسطه‌گری وجوه (ILF)^{۳۰} نامیده می‌شود و از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، رویکرد غالب در اقتصاد بوده است. در بازه تقریبی بین دهه ۱۳۹۳۰ تا ۱۳۹۶۰ میلادی، رویکرد قالب این بود که نظام بانکی «ویژه» است، چراکه بانکها برخلاف سایر نهادهای مالی و براساس مدل بانکداری مبتنی بر ذخایر جزئی (یا ضریب فزاینده پولی)، می‌توانند به صورت تجمعی^{۳۱} خلق پول کنند. با این وجود، علی‌رغم این قدرت تجمعی بانکها، هر بانک صرفاً یک واسطه‌گر مالی است که سپرده‌ها را جذب کرده و آنها را وام می‌دهد، بدون آنکه قدرتی برای خلق پول داشته باشد. این رویکرد «نظریه ذخیره جزئی در بانکداری^{۳۲}» یا نظریه ضریب فزاینده (DM)^{۳۳} نامیده می‌شود. نظریه سوم درباره نحوه کارکرد بخش بانکی، که در دو دهه اول قرن بیستم حاکم بود، همانند نظریه ذخیره جزئی معتقد است که نظام بانکی خلق پول می‌نماید به‌طور خاص، در این نظریه بحث می‌شود که هر بانک به تنهایی یک واسطه مالی نیست که سپرده‌ها را جذب و آنها را وام دهد، بلکه خودش کلیه وام‌ها را «از هیچ» خلق می‌کند. این رویکرد «نظریه خلق پول در بانکداری^{۳۴}» یا نظریه تأمین مالی مبتنی بر خلق پول (FMC)^{۳۵} نامیده می‌شود.

۳. رویکرد سوم رویکردی است که در سال‌های اخیر توجه بیشتری به آن شده و مدعی تطابق بیشتر با کنش واقعی و عملی بانکها است. مکالی و دیگران^{۳۶}

(۲۰۱۴) در گزارش بانک مرکزی انگلستان^{۳۷} بیان می‌کنند که تصور عموم و حتی برخی از اقتصاددانان از فرآیند خلق پول و عوامل محدودکننده آن اشتباه است. یکی از این اشتباهات آن است که معمولاً بانک‌ها را به‌عنوان نهادهای واسطه‌ای تعریف می‌کنند که وجوهی را که پس‌اندازکنندگان سپرده‌گذاری کرده‌اند، وام می‌دهند. در این نگاه سپرده‌ها از طریق تصمیمات خانوارها ایجاد می‌شود و بانک‌ها نیز این سپرده‌ها را به قرض‌گیرندگان وام می‌دهند. بوندس بانک آلمان^{۳۸} (۲۰۱۲) نیز بیان می‌کند: «کیفیت خلق پول بانک‌ها همچون خلق پول توسط بانک مرکزی است. به‌عنوان یک قاعده بانک تجاری وامی به مشتری خود اعطا می‌کند و به‌طور هم‌زمان موجودی حساب سپرده آن را افزایش می‌دهد. بنابراین خلق پول سپرده‌ای [پولی که بانک خلق می‌کند] یک تراکنش حسابداری است» (Jakab & Kumhof, 2015).

۴. در ایران عمدتاً بر نقش واسطه‌گری بانک تأکید می‌شود و در این چارچوب خلق پول بانکی براساس رویکرد ضریب فزاینده تبیین و تفسیر می‌گردد. همان‌گونه که بیان شد این رویکرد با آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، فاصله دارد و لذا مبنا قرار دادن آن، حقایق بزرگی همچون نقش مستقل بانک‌ها در خلق پول، اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، پرداخت سود از محل خلق پول و... را نمی‌تواند به‌درستی تفسیر کند.

۵. همچنین فارغ از نوع نگاه و رویکردها به بانک، بحث «خلق پول از هیچ» که در رویکرد سوم هم تأکید شده است، کاملاً با اصول و موازین نظام پولی اسلامی در تضاد است و باید نظام بانکی با توجه به چارچوب نظام پولی اسلامی اصلاح گردد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که به‌طورکلی در چرخه اقتصادی ایجاد دین امری لابد منه است. ولی سیاست‌های اقتصادی خود نباید زاینده دین و بدهی باشند طوری که نظام اقتصادی براساس آرای بنانهاده شود که در نهایت دین را در چرخه اقتصادی افزایش دهد. زیرا روایات متعددی از ائمه معصومین وارد شده است که دین را

مساوی کفر و پرچم خدا بر روی زمین است که مذلت مدیون رانسان می دهد و یا در روایات دیگر بیان می دارند که شهادت در راه خدا کفاره هر چیزی است جز دین. که به چند روایت در ذیل اشاره می گردد:

(۱) «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كُلُّ ذَنْبٍ يُكْفَرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّهُ لَا كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا أَدَاؤُهُ أَوْ يَقْضَىٰ صَاحِبُهُ أَوْ يَغْفُوَ الَّذِي لَهُ الْحَقُّ»؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص. ۱۴۲، روایت ۲.

(۲) «قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَ الدَّيْنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص أ يَعْذِلُ الدَّيْنَ بِالْكَفْرِ فَقَالَ نَعَمْ»؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص. ۱۴۲، روایت ۷.

(۳) «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الدَّيْنُ رَأْيَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُذِلَّ عَبْدًا وَضَعَهُ فِي عُقْبِهِ»؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص. ۱۴۲، روایت ۱.

با عنایت به این روایات، اصل دین امری نکوهش شده است که انسان و به خصوص نظام اقتصادی یک حکومت علل ایجاد دین در سیستم را ردیابی و در مسیر کاهش این علل و تأثیرات آن گام بردارد.

در نظام پولی می توان گفت که منشأ دین عدم نظام ارزش گذاری است که به خلق ارزش هایی می نماید که ما به ازاء خارجی ندارد. در نتیجه قدرت بازپرداخت حقیقی دیون کاهش یافته که نمود آن در بودجه سالیانه دولت خود را نشان می دهد زیرا دولت پرخرج ترین شهروند یک حکومت است پس بالتبع پر بدهی ترین است. یکی از دلایل ایجاد دین، عدم وجود ملاک ارزش گذاری در موضوع پول است که با خلق بی ضابطه در واقع در سطح حکومت و نظام پولی-بانکی و اقتصادی تولید بدهی ایجاد می گردد. در نتیجه رعایت اصول گذشته با این اصل مذکور همگی در یک نظام منسجم می تواند مانع از انحراف نظام پولی گردد. بنابراین در جمع بندی باید گفت؛ اولاً اسلام فی نفسه با تعیین مصداق پول توسط عرف اعم از خاص و یا عام، یعنی توسط مردم یک منطقه و عرف خاص یا عام شکل گرفته باشد، مشکل ندارد و جایز می داند. ثانیاً اعتبار کلیه پول ها با توجه به اصول و شرایط توسط حاکم شرع و حکومت اسلامی صادر می شود و در این میان فقط خلق پول قوام بخش (با رعایت اصول و قواعد خاص آن) توسط حاکم اسلامی

۳. چستی، چرایی و چگونگی پول از منظر اسلام (جمع‌بندی و نتیجه‌گیری)
حال با توجه به تبیین چارچوب کلان نظام پولی اسلام و بیان مبانی، اصول، عناصر و ارتباطات بین عناصر آن، می‌توان پاسخ به سؤالات مبنایی و فلسفی در مورد پول را شرح داد که در ادامه به آنان پاسخ داده می‌شود.

۳-۱. ماهیت و چستی پول

از نظر اسلام آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که ماهیت فعلی پول نیست که باید مورد تحلیل قرار بگیرد بلکه باید به این سؤال پاسخ دهیم که پول چگونه باید باشد و از حیث شرعی شرایطی که پول باید داشته باشد تا در مقام مبادلات و معاملات اعم از خرید و فروش کالا و خدمات و... آن مبادله صحیح تلقی گردد چیست؟ در نتیجه ما باید در مورد اینکه ماهیت پول باید چگونه باشد، بحث کنیم و نه آنکه پول فعلی با دخالت‌ها و اثرات خارجی فی‌الحال دارای چه ماهیتی است؟

به عبارت دیگر در کلام اقتصاددانان با مکاتب مختلف آنچه دیده می‌شود، بحث از تعریف پول است، ولی آنچه باید گفت همان‌طور که فقها و اصولیون نیز در مقام تعریف بدان اشاره می‌کنند و در علم منطق ابعاد آن را بیان کرده‌اند، بحث جامعیت و مانعیت تعریف است. رابطه معرف و معرف، از میان نسبت‌های چهارگانه، باید تساوی باشد. معرف نباید مباین یا اعم یا اخص از معرف باشد. یعنی باید هر چه معرف بر آن صدق می‌کند مصداق معرف باشد و بالعکس. این شرط گاه این‌گونه بیان شده است که معرف باید جامع افراد و مانع اغیار (مُنْعِکِس و مُطَرِد) باشد (ابن‌سینا، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص. ۱۰۵-۱۱۰؛ علامه حلی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص. ۲۵۷-۲۵۹؛ رازی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۸۱؛ تفتازانی، ۷۹۱ق، ج ۱، ص. ۵۰؛ طوسی، ۱۳۶۱، ج ۱، صص. ۴۹۴-۵۰۲). جامعیت و مانعیت زمانی حاصل می‌گردد که جنس، نوع و فصل تعریف بتواند باعث روشن‌تر شدن معرف گردد ولی در مورد بعضی از معرف‌ها گفته می‌شود که معرف اجلی و اعراف از معرف است و تعریف درستی با جنس و فصل نمی‌توان برای آن ارائه نمود. در مورد پول نیز چنین است و در این وضعیت گفته می‌شود تعریف را باید به لوازم و آثار و اوصاف و امثالهم نمود. در مورد پول بهتر است به جای آنکه در مقام بیان چگونگی پول به دنبال تعریف

منطقی بگردیم، باید ببینیم کارایی و شرایط پول از حیث شرعی چگونه باید باشد و تعریف را روی لوازم کارایی ببریم.

لذا نکته‌ای که باید بدان توجه داشت که از حیث شرعی نباید در جستجوی تعریف پول بود بلکه باید آنچه پول باید باشد را برشمرد و از اهداف خلق پول قواعد کلی را استخراج کرد. در نتیجه سؤال اصلی از این قرار است: شروط صحت اطلاق عنوان پول و عناوین مانند این از حیث شرعی چیست؟ فارغ از بحث اصولی صحیح و اعم در مورد ماهیت پول که باید در مقام دیگری از آن بحث گردد، باید در مقام پاسخ به این سؤال این‌طور بگوییم که در نظام اقتصادی از پول انتظار چه کارایی را داریم، به عبارت دیگر با ایجاد این ماهیت قصد رفع چه نیازی را در جامعه داریم؟ بعد از تحلیل این سؤال در مقام بیان قواعد و احکام کلی حاکم بر پول از حیث شرعی جهت تطبیق ماهیت انتظاری جامعه به پول و ماهیت انتظاری شرعی که هدف نظام اقتصادی باید تحقق این ماهیت باشد.

انتظار اول در کارایی پول: آنچه در تحلیل‌های مختلف اقتصاددانان با گرایش‌ها و نظرات مختلف می‌توان این موضوع را استخراج کرد که پول برای تبادل ایجاد شده است و هر آنچه اقبال به قرار گرفتن به عنوان مصداقی جهت تبادل، فارغ از نوع و جنس آن قرار گیرد می‌توان عنوان پول را به آن اطلاق نمود که بر این موضوع یعنی اقبال عمومی و رواج آن در جامعه روایات متعددی دلالت دارد که به برخی از آنها در فوق بیان و تحلیل کامل ارائه گردید.^{۳۹}

انتظار دوم در کارایی پول: توازن و تعادل منجر به عدالت در نظام اقتصادی که از ثبات در ارزش پول نشأت می‌گیرد که فقها به موضوع ارزش پول در کتب فقهی اشاراتی دارند.^{۴۰}

انتظار سوم از کارایی پول: ایجاد رونق در نظام اقتصادی است که نتیجه این است که پول هدف و مقصود نیست و وسیله‌ای برای رفع نیازهای بشری است. اقتصاددانان نیز به سه کارایی برای اطلاق پول به یک مصداق فرضی ارائه نموده‌اند: وسیله تبادل، وسیله سنجش ارزش و وسیله ذخیره ارزش بودن. با این تحلیل هر شیئی

که بتواند کارایی‌های مدنظر را ایفاء نماید می‌تواند با حفظ شرایطی که بیان شد به‌عنوان مصداقی از پول قرار گیرد.

۳-۲. منشأ پول

همان‌گونه که گذشت در اسلام منشأ پول را می‌توان از نتیجه ارتباط بین عناصر نظام پولی اسلام یعنی مردم (عرف)، بازار و درنهایت تأیید حاکمیت و حکومت اسلامی دانست. یعنی در پاسخ به سؤال اینکه منشأ پول چیست، همین مسأله مطرح است که از آنجا که پول در اسلام عنوان عرفی است، مردم برای رفع نیازهای خویش در معاملات و مبادلات اقتصادی مصداقی که می‌توانند کارایی پول را داشته باشند، به‌عنوان پول انتخاب می‌نمایند و ممکن است که در بازار آن مصداق به‌عنوان پول رواج یابد ولی این اعتبار عرف و مردم در نظام پولی اسلام کافی نیست و با توجه به وظیفه حکومت اسلامی، حکومت اسلامی وظیفه امضاء و تأیید آن پول را دارد و به عبارت صحیح اگر مصداق موردنظر با مبانی و اصول پول در اسلام تناقض داشته باشد، حکومت اسلامی آن را معتبر نمی‌داند.^{۴۱}

۳-۲-۱. ارزش پول

در پاسخ به این مسأله که ارزش پول به چیست و چگونه ارزش خود را به‌دست می‌آورد، باید گفت که با توجه به اصول حق، عدل و قوام در نظام پولی اسلامی، اولاً باید شرط ثبات نسبی ارزش و پایداری و ثبات در پول رعایت شود؛ ثانیاً براساس شرط معلومیت در پول، اساساً در نظر اسلام پول یا باید ارزش ذاتی داشته باشد و مانند پول‌های کالایی و یا مسکوکات فلزی باشد و یا اگر امر اعتباری بود حتماً می‌بایست در عالم واقع (اعم از حقیقی و مجازی) ما به ازایی ارزشمند داشته باشد و اعتبار کردن بدون مابه‌ازاء در اسلام موردقبول نیست.

یادداشت‌ها

1. Metallists
2. Chartalists
3. Mainstream
4. Heterodox
5. Goodhart
6. Metallists

7. Chartalists

۸. لازم به ذکر است که وجه نام‌گذاری این دو جریان ریشه در نظر ایشان در خصوص منشأ و ماهیت پول دارد. کالاییون یا فلزگرایان معتقد به پول کالایی و مسکوکات فلزی هستند که ارزش ذاتی دارند و چارتالیست‌ها و اعتباریون معتقد به پول اعتباری هستند که ارزش خود را از قانون و دولت دریافت می‌کنند. علاقه‌مندان برای مطالعه بیشتر می‌توانند به رساله دکتری دولت آبادی (۱۳۹۴) و درودیان (۱۳۹۴) مراجعه نمایند.

۹. لازم به ذکر است که در انتساب به اسلام از یای نسبت استفاده شده، تا آنچه را انتساب می‌دهیم حالت فرضیه‌ای داشته و قابل ابطال باشد.

۱۰. «إِسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وَاوَلَاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ» از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش بفرمان باشید، زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت امت اسلام» است.

11. Desaussure

12. Gregory & Stuart

13. Economic System

۱۴. شهید صدر هم نزدیک به همچنین تعبیری تحت عنوان اطار نظام اقتصادی دارند که علاقه‌مندان می‌توانند به آثار ایشان مراجعه نمایند.

15. Big Picture

۱۶. لازم به ذکر است با توجه به مطالعات ذکر شده در پیشینه تحقیق، واضح است که برخی از بخش‌ها توسط اندیشمندان و اقتصاددانان مسلمان تبیین شده است و در ادامه سعی شده است با تکیه بر این پژوهش‌ها و با ذکر منابع مختلف، تمام نظرات در چارچوبی منسجم مورد استفاده قرار گیرد و از تکرار مکررات و موازی‌کاری پرهیز گردد و بخش‌هایی را که اندیشمندان به آنها توجه نداشته‌اند، اضافه گردد.

۱۷. غزالی در کتاب احیاء علوم الدین می‌فرماید: «فخلق الله تعالى الدنانير و الدرهم حاکمین و متوسطین بین سائر الاموال حتی تقدر الاموال بهما» (غزالی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص. ۹۰). اصل خلقت و تعبیه الهی نقدین (طلا و نقره)، به منظور وساطت و ابزار تبادل بودن این دو در میان سایر اموال است که به واسطه آنها اشیا و اموال تقدیر و اندازه‌گیری می‌شوند.

در روایتی از امام صادق(ع) نیز آمده است: «هی خواتیم الله فی ارضه جعلها الله مصلحة لخلقها و بها تستقیم شئونهم و مطالبهم» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۳، ج ۹، ص. ۲۸۵): دینار و درهم و مهره‌ها زینت‌های خدا در زمین هستند که خداوند آنها را به جهت مصالح خلقتش قرار داد و به وسیله آنها، امور و خواسته‌هایشان برپا می‌گردد.

- بنابر آنچه گفته شد، لازم است پول براساس خلقت الهی و حکمتی که در ایجاد آن قرار داده شده است، به عنوان ارزش و وسیله مبادله استفاده شود و هرگونه استفاده دیگر از آن، نقض غرض خواهد بود. شهید مطهری (ره) تعبیر بسیار حکیمانه‌ای در این باره دارند و می‌فرمایند: «ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است. برخلاف ارزش کالاها که در سلسله علل مبادلات است» (مطهری، ۱۳۶۴، ص. ۱۷۵). (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به عبوضلو و کریمی، ۱۳۹۷، صص. ۲۲-۲۴)
۱۸. برعکس نظام‌های مالی غربی، تخصیص منابع و امکانات در چارچوب اقتصاد اسلامی، امری به شرط شیء است و نه لایه شرط (رک. نظرپور، موسویان و خزائی، ۱۳۹۸، ص. ۹۶).
۱۹. به نقل از: روزنامه خراسان ویژه‌نامه - ویژه‌نامه گفت‌مان الگو - مورخ یکشنبه ۱۳۹۱/۰۱/۰۳ شماره انتشار ۱۸۲۹۹. در این مطلب ناظر به دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی درباره شاخص‌های توسعه اسلامی است که در گفتگو با ویژه‌نامه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در اردیبهشت ۱۳۸۹ مطرح شده و روزنامه خراسان با هماهنگی مؤسسه «اسراء» آن را در قالب نوشتاری فشرده به مخاطبان تقدیم کرده است.
۲۰. قرآن کریم در سوره فیل به این مطلب اشاره کرده است: «رحله الشتاء و الصیف» (یوسفی، ۱۳۷۴).
۲۱. این روایت‌ها در قسمت بعد یعنی نقش حکومت در نظام پولی اسلامی بیان شده است و به تفصیل ذکر شده است.
۲۲. اهم این روایات که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود در کتب زیر نقل شده‌اند: النقود الاسلامیه، صص. ۷-۸؛ حیوة الحیوان ص. ۷۹؛ العقد المنیر، ج ۱، ص. ۴۴. همچنین برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب ماهیت پول در اسلام، نوشته یوسفی (۱۳۷۹) مراجعه نمود.
۲۳. به نقل از «الخراج و النظم المالیة للدولة اسلامیة، ص. ۳۸۲؛ العقد المنیر، ج ۱، ص. ۹۶» و به نقل از وجدی «دائرة المعارف، ج ۱، ص. ۹۶» و عبدالرحمن فهمی محمد، صنج السکه فی فجر الاسلام، ص. ۳۵ و الخطط التوفیقیة، ج ۲۰، ص. ۳۵ و ۴۳.
۲۴. پیروان این نظریه، بیان می‌دارند که برای تحقق موافقت شارع از طریق تقریر و سکوت، لازم است که عدم منع و مخالفت معصوم (ع) با سیره عقلایی اثبات شود.
۲۵. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج. ۳، ص. ۲۶۴.
۲۶. بحرانی، آل‌عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۲۰، ص. ۴.

۲۷. سؤال و جواب (للسید الیزدی)، ص. ۲۸۰، سؤال ۴۴۵.

۲۸. لازم به ذکر است همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، حتی در روایت ضرب سکه در زمان عبدالملک مروان، امام محمدباقر(ع) به‌گونه‌ای دستور ضرب سکه را دادند که نظام پولی اسلامی پایداری و ثبات خود را از دست ندهد و ضرب سکه با معیار مشخصی از طلا و نقره انجام شود و خلق پول از هیچ نبوده است. ایشان فرمودند: سه نوع سکه ضرب شود، نوع اول هر درهم یک مثقال و ده درهم آن ۱۰ مثقال و نوع دوم هر ده درهم شش مثقال و نوع سوم هر ده درهم پنج مثقال باشد بدین ترتیب هر سی درهم از سه نوع ۲۱ مثقال می‌شد و این برابر با سکه های رومی بود و مسلمانان موظف بودند ۳۰ درهم رومی که ۲۱ مثقال بود بیاورند و ۳۰ درهم جدید بگیرند (المحاسن و المساوی بیهقی «ج ۲ صص. ۲۳۲-۲۳۶ چاپ مصر «حیوة الحیوان دمیری»، چاپ سنگی، ص. ۲۴).

29. Financial Intermediation Theory Of Banking
30. Intermediation Of Loanable Funds
31. Collectively
32. Fractional Reserve Theory Of Banking
33. Deposit Multiplier
34. Credit Creation Theory Of Banking
35. Financing Through Money Creation
36. McLeay et al.
37. Bank of England
38. Bundesbank

۳۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص. ۲۲۵، روایت ۴۰۴۰.

۴۰. سؤال و جواب (للسید الیزدی)، ص. ۲۸۰، سؤال ۴۴۵.

۴۱. لازم به ذکر است که این نگاه یک‌نگاه حدوسط ۲ نگاه متالیست و چارتالیست است. یعنی هم از نظر متالیست‌ها پول را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که از قرارداد اجتماعی بین مردم تأیید می‌شود و هم متناسب با نگاه چارتالیست‌ها است که قانون، حاکمیت و حکومت اسلامی آن را تأیید می‌کند.

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۱۰۸ق). *لسان العرب* (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۳ق). *الاشارات و التنبیها* (جلد اول). قم، دفتر نشر کتاب.
- انصاری، سید مرتضی (۱۴۱۱ق). *المکاسب* (چاپ اول). قم: منشورات دارالذخائر.
- تفتازانی، مسعودبن عمر (بی‌تا). *تهذیب المنطق، ضمن الحاشیة علی تهذیب المنطق للتفتازانی، از ملاعبدالله بن حسین یزدی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (جلد اول، چاپ دوم) (رجائی، سیدمهدی، مصحح). قم: دار الکتب الإسلامی.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۱). تحلیل ماهیت پول. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۲(۴۸)، ۱۰۷-۱۳۰.
- چرچمن، چارلز وست (۱۳۶۹). نظریه سیستم‌ها (رشید اصلانی، مترجم) (چاپ دوم). تهران: مرکز مدیریت دولتی.
- حکیم، سیدمحسن (۱۴۱۸ق) نهج الفقاهه (چاپ اول). قم: ۲۲ بهمن.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۹۴). تحف العقول. قم: بصیرتی.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی (رساله دکتری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۸). الحیاه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دوران، دانیل (۱۳۷۰). نظریه سیستم‌ها (محمد یمنی، مترجم). تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- درودیان، حسین (۱۳۹۴). بررسی ماهیت پول و آثار خلق پول بانکی در اقتصاد متعارف: یک ارزیابی از منظر اقتصاد اسلامی (رساله دکتری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- رازی، محمدبن محمد قطب‌الدین (۱۳۶۳). تحریر القواعد المنطقیة: شرح الرسالة الشمسیة، لنجم الدین عمر بن علی کاتبی قزوینی. قم: افست.
- سبحانی، حسن (۱۳۹۲). جزوه اقتصاد اسلامی دوره دکتری علوم اقتصادی. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- سبحانی، حسن؛ و درودیان، حسین (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۶(۶۴)، ۳۱-۵۴.
- سبحانی، حسن؛ و درودیان، حسین (۱۳۹۴). ارزیابی توجیه پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۷)، ۱۱۳-۱۳۶.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳). المیزان فی تفسیر القرآن (جلد ۱۹، چاپ اول). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمدبن محمد نصیرالدین (۱۳۶۱). اساس الاقتباس. تهران: مدرس رضوی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳). بنیادهای علم سیاست (چاپ ۱۲)، تهران: نی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳). الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید. قم، دارالکتب اسلامی.

- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). قواعد فقه سیاسی مصلحت (چاپ اول). تهران: امیر کبیر.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۸(۲۹)، ۳۵-۶۲.
- عیوضلو، حسین (۱۳۹۰). *روش‌شناسی اقتصاد اسلامی* (جزوه دانشگاهی). تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- عیوضلو، حسین؛ کریمی‌ریزی، مجید (۱۳۹۷). اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۱)، ۵-۳۵.
- فهمی‌عزیز، عبدالرحمن (۱۹۶۵م). *فجر السکه العربیه* (چاپ ۱). مصر: مطبعة دارالکتب.
- کلینی، ابوجعفر (۱۴۰۷ق). *الکافی* (جلد ۱۷، چاپ ۱). قم: دارالکتب الإسلامیه.
- مامقانی، محمدحسن (۱۳۱۶). *غایه‌الآمال فی شرح کتاب المکاسب* (چاپ اول). قم: مجموع الذخائر الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحارالانوار*. لبنان: مؤسسه الوفاء بیروت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی* (چاپ ۱). تهران: حکمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار* (جلد ۵، چاپ ۱). قم: صدرا.
- معروف، هاشم (۱۳۸۲ق). *سیره الأئمة الاثنی عشر* (ع) (جلد ۳). نجف: المكتبة الحیدریه.
- مفید، محمدبن محمد بن نعمان (۴۱۳ق). *الامالی*. قم: کنگره شیخ مفید.
- ملک‌افضلی اردکانی، محسن؛ حائری، محمدحسن؛ فخلعی، محمدتقی؛ و ارسطو، محمدجواد (۱۳۹۱). *مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول*. *دوفصلنامه مطالعات اسلامی فقه و اصول*، ۴۴(۸۸)، ۱۲۵-۱۴۰.
- مدنی، داوود (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر تئوری‌های سازمان و مدیریت*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸ق). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، الطبعة الثانیه*، منشورات المركز العالمی للدراسات الاسلامیه. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۵۲). *علم الاصول الفقه فی ثوبه الجدید*. قم: دارالکتاب اسلامی.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۴). *عقل‌گرایی دینی و توسعه سیاسی*. *فصلنامه نقد و نظر*، ۱(۳ و ۴)، ۲۴۴-۲۴۹.
- موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). *البیع* (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسویان، سیدعباس؛ و بهاری قراملکی، حسن (۱۳۹۱). مبانی فقهی بازار پول و سرمایه (جلد اول). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

موسویان، سیدعباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۶). بانکداری اسلامی مبانی نظری - تجارب علمی (چاپ اول). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نائینی، محمدحسین (۱۳۷۳). منیة الطالب فی حاشیة المکاسب (چاپ اول). تهران: المکتبه المحمدیة.

نظرپور، محمدنقی؛ موسویان، سیدعباس؛ و خزائی، ایوب (۱۳۹۸). بانکداری اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).

یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۷). ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Alam, A, R. (1383). Foundations of Political Science (12th edition), Tehran: Ney (In Persian).

Allama Halli, H, I, Y, (1363). The Essential Substance in the Explanation of the Logic of Abstraction. Qom, Islamic Library (In Persian).

Ansari, S, M. (1411 AH). The Gains (first edition). Qom: Dar al-Zakhair Publications (In Persian).

Amid Zanjani, A, A. (1386). Rules of Political Jurisprudence Expediency (First Edition). Tehran: Amir Kabir (In Persian).

Ayuzlu, H. (1387). Principles and Foundations of the Monetary System in Islamic Economics. Islamic Economics Quarterly, 8 (29), 35-62 (In Persian).

Ayuzlu, H (1390). Methodology of Islamic Economics (University Booklet). Tehran: Imam Sadiq University (In Persian).

Ayuzlu, H; & Karimirizi, M. (1397). Principles and Strategies of Islamic Banking in the Framework of Islamic Economic System, Islamic Economics Quarterly, 18 (71), 5-35 (In Persian).

Churchman, C, W. (1369). Theory of Systems (Rashid Aslani, Translator) (Second Edition). Tehran: Government Management Center (In Persian).

Clini, A, J. (1407 AH). Al-Kafi (Volume 17, Edition 1). Qom: Islamic Library (In Persian).

Droudian, H. (1394). Investigating the Nature of Money and the Effects of Bank Money Creation in Conventional Economics: An Assessment from the Perspective of Islamic Economics (PhD Thesis). Tehran University, Tehran, Iran (In Persian).

Duran, D (1370). Theory of Systems (Mohammad Yemeni, Translator). Tehran: Islamic Revolution Education (In Persian).

Fahmi Aziz, A, R. (1965 A.H). Fajr Al-Arabiya Coin (1st Edition). Egypt: Dar al-Kitab Press (In Persian).

Gregory, P. R., & Stuart, R. C. (1999). *Comparative Economic Systems*. Houghton Mifflin.

Goodhart, C. (1984). Monetary Policy in Theory and Practice.

- Hakimi, M, R. (1368). Al Hayat. Tehran: Islamic Culture Publishing Office (In Persian).
- Hakim, Seyyed Mohsen (1418 AH) Nahj al-Fiqh (first edition). Qom: 22 Bahman (In Persian).
- Harani, I, S. (1394). Tohef Oghol. Qom: Insightful.
- Hosseini Dolatabadi, S, M. (1394). Money Creation Arrangements from the Perspective of Conventional Economics and Islamic Economics with Emphasis on Legal Reserve Rate (Doctoral Dissertation). Tehran University, Tehran, Iran (In Persian).
- Ibn Manzur, M, I, M. (1108 AH). Arabic Language (First Edition). Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi (In Persian).
- Ibn Sina, H, B, A. (1403 AH). Signs and Warnings (Vol. I). Qom, Book Publishing Office (In Persian).
- Ingham, G. (2004). The Nature of Money. *Economic Sociology: European Electronic Newsletter*, 5(2), 18-28.
- Jakab, Z., & Kumhof, M. (2015). Banks are not Intermediaries of Loanable Funds—and why this Matters.
- Knowledge, Mohammad Hadi (1374). Religious Rationalism and Political Development. *Journal of Criticism and Opinion*, 1 (3 and 4), 244-249 (In Persian).
- Mamqani, M, H. (1316). Ghayamal Fi Shrhe Kitab Almakaseb (First Edition) (In Persian).
- Majlisi, M, B. (1404 A.H). Baharol Anvar. Lebanon: Al-Wafa Institute Beirut (In Persian).
- Motahari, M. (1364). Overview of the Basics of Islamic Economics (1st edition). Tehran: Hekmat (In Persian).
- Motahari, M. (2010) Collection of Works (Volume 5, Edition 1). Qom: Sadra (In Persian).
- Madani, D. (1386). Introduction to theories of Organization and Management. Tehran: Payam-e-Noor University (In Persian).
- Malek Afzali Ardakani, M; Haeri, M, H; Fakhilai, M, T; & Aristotle, M, J. (1391). The Concept of the System and its Application in Jurisprudence and Principles. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Studies in Jurisprudence and Principles*, 44 (88), 125-140 (In Persian).
- Maroof, H. (1382 AH). Biography of the Twelve Imams (Vol. 3). Najaf: Al-Haydari Library (In Persian).
- Montazeri, H, A. (1408 AH). Studies in the Jurisprudence and Jurisprudence of the Islamic State, Second Edition, Publications of the World Center for Islamic Studies. Qom: Mustafa International Society (In Persian).
- Mufid, M, I. (1413 A.H). Alamali. Qom: Sheikh Mofid Congress (In Persian).
- Mughniyeh, M, J. (1352). The Science of the Principles of Jurisprudence in the New Reward. Qom: Islamic Library (In Persian).
- Mousavi Khomeini, S, R. (1421 AH). Sale (first edition). Tehran: Imam Khomeini Publishing House (In Persian).
- Mousavian, S, A; & Bahari Gharamaleki, H. (1391). Jurisprudential Principles of Money and Capital Markets (Vol. I). Tehran: Imam Sadiq University (In Persian).

- Mousavian, S, A; & Meysamy, H. (1396). Islamic Banking Theoretical Foundations - Scientific Experiences (First Edition). Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran (In Persian).
- Naini, M, H. (1373). Meniya Altaleb Fi Hashiyat Almaksab (First Edition). Tehran: Mohammadi Library (In Persian).
- Nazarpour, M, N; Mousavian, S, A; & Khazaei, A. (1398). Islamic Banking. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Books in Islamic and Humanities (Position) (In Persian).
- Razi, M, I, M, Q. (1363). Writing the Logical Rules: Explanation of the Solar Message, for the Religion of Umar bin Ali Katabi Qazvini. Qom: Offset (In Persian).
- Sobhani, H. (1392). Booklet of Islamic Economics for PhD in Economics. Tehran: Faculty of Economics, Tehran University (In Persian).
- Sobhani, H; & Droudian, H. (2015). Assessing the Justification of Money Creation by the Banking System in the Islamic Banking System. Islamic Economics Quarterly, 16 (64), 31-54 (In Persian).
- Tabatabai, M, H. (1393). Balance in the Interpretation of the Qur'an (Volume 19, first edition). Beirut: Press Institute for Publications (In Persian).
- Taftazani, M, I, U (Bi,ta). Tahdhib al-Manteq, in Addition to the Margin on Tahdhib al-Manteq for Taftazani, by Mullah Abdullah bin Hussein Yazdi. Qom: Islamic Publishing Foundation (In Persian).
- Tamimi Amadi, A, W, B, M (1410 AH). Garar Al Hakam (Volume one, second edition) (Rajaei, Seyyed Mahdi, Corrector). Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Tavassoli, M, I. (1391). Analysis of the Nature of Money. Islamic Economics Quarterly, 12 (48), 107-130 (In Persian).
- Tusi, M, I, M, N, al-Din (1361). The Basis of the Quotation. Tehran, Modares Razavi (In Persian).
- Yousefi, A, A. (1377). The Nature of Money and its Jurisprudential and Economic Strategies (First Edition). Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought (In Persian).